

بِسْمِ اللّٰهِ
الرَّحْمٰنِ
الرَّحِیْمِ

قانون یار
آئین دادرسی کیفری
(موضوع ۹۲/۱۲/۴)

تدوین: گروہ علمی مؤسسہ آموزش عالی آزاد چتر دانش

انتشارات چتر دانش



● عنوان و نام پدیدآور

- مشخصات نشر
- مشخصات ظاهری
- شابک
- وضعیت فهرست‌نویسی
- یادداشت
- یادداشت
- موضوع
- موضوع
- شناسه افزوده
- رده بندی کنگره
- رده بندی دیویی
- شماره کتابشناسی ملی

قانون یار آیین دادرسی کیفری [مصوب ۹۲/۱۲/۴]
مؤلف گروه علمی مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش
تهران: چتر دانش، ۱۳۹۴.
ص. ۸۵۶

۹-۶۰۰-۴۱۰-۰۰۶-۹۷۸

فیبا

چاپ سیزدهم.

چاپ قبلی: چتر دانش، ۱۳۹۴ (۶۴۰ ص.).

آیین دادرسی جزایی - ایران - راهنمای آموزشی (عالی)

آیین دادرسی جزایی - ایران - آزمون‌ها و تمرین‌ها (عالی)

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

ب ۱۳۹۴ ق ۴۶۱۰ / KMH

۳۴۵/۵۵۰۵

۳۸۸۲۴۵۴

قانون یار آیین دادرسی کیفری (مصوب ۹۲/۱۲/۴)

چتر دانش

گروه علمی مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش

سی و هشتم - ۱۴۰۲

۲۰۰۰

۹-۶۰۰-۴۱۰-۰۰۶-۹۷۸

۳۹۵۰۰۰ تومان



● نام کتاب

- ناشر
- تدوین
- نوبت و سال چاپ
- شمارگان
- شابک
- قیمت

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمییری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.





سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آن‌ها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند. این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آن‌ها از یک سو و تناسب آن‌ها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آن‌ها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور
مدیر مسئول انتشارات چتر دانش



فهرست

۷.....	بخش اول: کلیات
۷.....	فصل اول: تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن
۱۶.....	فصل دوم: دعاوی عمومی و دعاوی خصوصی
۴۳.....	بخش دوم: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی
۴۳.....	فصل اول: دادرسا و حدود صلاحیت آن
۴۸.....	فصل دوم: ضابطان دادگستری و تکالیف آنان
۸۴.....	فصل سوم: وظایف و اختیارات دادستان
۱۱۴.....	فصل چهارم: وظایف و اختیارات بازپرس
۱۱۴.....	مبحث اول: اختیارات بازپرس و حدود آن
۱۴۲.....	مبحث دوم: صلاحیت بازپرس
۱۵۰.....	فصل پنجم: معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی
۱۸۸.....	فصل ششم: احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان
۱۸۸.....	مبحث اول: احضار، جلب و تحقیق از متهم
۲۲۳.....	مبحث دوم: احضار و تحقیق از شهود و مطلعان
۲۲۳.....	فصل هفتم: قرارهای تأمین و نظارت قضایی
۲۸۵.....	فصل هشتم: اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات
۳۱۳.....	فصل نهم: تحقیقات مقدماتی جرائم اطفال و نوجوانان
۳۱۷.....	فصل دهم: وظایف و اختیارات دادستان کل کشور
۳۲۳.....	بخش سوم: دادگاه‌های کیفری، رسیدگی و صدور رأی
۳۲۳.....	فصل اول: تشکیلات و صلاحیت دادگاه‌های کیفری
۳۶۷.....	فصل دوم: رسیدگی به ادله اثبات
۳۷۶.....	فصل سوم: رسیدگی در دادگاه‌های کیفری
۳۷۶.....	مبحث اول: کیفیت شروع به رسیدگی
۴۰۱.....	مبحث دوم: ترتیب رسیدگی
۴۱۱.....	مبحث سوم: صدور رأی
۴۱۸.....	فصل چهارم: رسیدگی در دادگاه کیفری یک
۴۱۸.....	مبحث اول: مقدمات رسیدگی
۴۳۰.....	مبحث دوم: ترتیب رسیدگی
۴۳۷.....	مبحث سوم: صدور رأی
۴۴۰.....	فصل پنجم: رأی غیابی و واخواهی
۴۴۵.....	فصل ششم: رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان
۴۴۵.....	مبحث اول: تشکیلات
۴۴۷.....	مبحث دوم: ترتیب رسیدگی
۴۵۴.....	فصل هفتم: احاله
۴۶۰.....	فصل هشتم: رد دادرس
۴۶۶.....	بخش چهارم: اعتراض به آراء
۴۶۶.....	فصل اول: کلیات
۴۸۸.....	فصل دوم: کیفیت رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان
۵۰۳.....	فصل سوم: کیفیت رسیدگی دیوان عالی کشور
۵۱۴.....	فصل چهارم: اعاده دادرسی
۵۳۱.....	بخش پنجم: اجرای احکام کیفری و اقدامات تأمینی و تربیتی
۵۳۱.....	فصل اول: کلیات

۵۵۳	فصل دوم: اجرای مجازات حبس
۵۶۴	فصل سوم: اجرای محکومیت‌های مالی
۵۷۳	فصل چهارم: اجرای سایر احکام کیفری
۵۷۷	بخش چهارم: اجرای قصاص
۵۷۷	فصل اول: مواد عمومی
۵۷۷	مواد ۴۱۷ الی ۴۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱
۵۸۷	فصل دوم: اجرای قصاص نفس
۵۸۹	فصل سوم: اجرای قصاص عضو
۵۹۶	فصل پنجم: اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی
۶۰۴	بخش ششم: هزینه دادرسی
۶۱۱	بخش هفتم: سایر مقررات
۶۱۴	بخش هشتم: آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح
۶۱۴	فصل اول: کلیات
۶۲۲	فصل دوم: تشکیلات دادسرا و دادگاه‌های نظامی
۶۴۰	فصل سوم: صلاحیت
۶۴۹	فصل چهارم: کشف جرم و تحقیقات مقدماتی
۶۴۹	مبحث اول: ضابطان نظامی و تکالیف آنان
۶۶۴	مبحث دوم: کارشناسی
۶۶۵	مبحث سوم: احضار
۶۶۹	مبحث چهارم: قرار بازداشت موقت
۶۷۴	مبحث پنجم: مرور زمان
۶۸۱	فصل پنجم: وکالت در دادسرا و دادگاه نظامی
۶۸۳	فصل ششم: ترتیب رسیدگی، صدور و ابلاغ رأی
۶۹۱	فصل هفتم: تجدیدنظر و اعاده دادرسی
۶۹۷	فصل هشتم: اجرای احکام
۷۰۲	فصل نهم: زندان‌ها و بازداشتگاه‌های نظام
۷۰۹	بخش نهم: دادرسی الکترونیکی
۷۲۴	بخش دهم: آیین دادرسی جرائم رایانه‌ای
۷۴۷	بخش یازدهم: آیین دادرسی جرائم اشخاص حقوقی
۷۵۸	بخش دوازدهم: سایر مقررات
۷۶۰	قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۲/۰۲/۱۵
۷۶۲	قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹/۰۲/۲۳
۷۶۲	فصل اول- کلیات
۷۶۳	فصل دوم- تشکیلات
۷۶۶	فصل سوم- جرایم و مجازات‌ها
۷۷۰	فصل چهارم: تحقیق، رسیدگی و تدابیر حمایتی
۷۷۵	آیین‌نامه نحوه اجرای احکام حدود، سلب حیات، قطع عضو، قصاص نفس و عضو و جرح، دیات، شلاق، تبعید، نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل یا محل‌های معین مصوب ۱۳۹۸/۰۳/۲۶ رئیس قوه قضائیه
۷۸۰	فصل اول: مواد عمومی
۷۸۰	فصل دوم: مواد اختصاصی
۷۸۰	مبحث اول: نحوه اجرای مجازات‌های سالب حیات

۷۸۳	گفتار اول: نحوه اجرای مجازات رجم
۷۸۴	گفتار دوم: نحوه اجرای مجازات صلب
۷۸۴	گفتار سوم: نحوه اجرای مجازات قصاص نفس
۷۸۷	بحث دوم: نحوه اجرای مجازات‌های قطع و قصاص عض
۷۸۹	مبحث سوم: نحوه اجرای محکومیت به دیه
۷۹۳	مبحث چهارم: نحوه اجرای مجازات تراشیدن موی سر
۷۹۳	مبحث پنجم: نحوه اجرای مجازات شلاق
۷۹۵	مبحث ششم: نحوه اجرای مجازات‌های تبعید و نفی بلد، اقامت اجباری و منع از اقامت در محل معین
		آیین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی
		تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین‌های حبس مصوب ۳ / ۲ / ۱۳۹۸ رئیس قوه قضائیه ۷۹۷
۷۹۷	فصل اول: کلیات
۷۹۸	فصل دوم: نحوه اجرای قرار تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات
۸۰۰	فصل سوم: نظام نیمه‌آزادی
۸۰۲	فصل چهارم: نظام آزادی مشروط
۸۰۲	فصل پنجم: نحوه اجرای مجازات‌های جایگزین حبس
۸۰۲	مبحث اول: خدمات عمومی رایگان
۸۰۳	مبحث دوم: دوره مراقبت
۸۰۴	مبحث سوم: جزای نقدی
۸۰۴	مبحث چهارم: جزای نقدی روزانه
۸۰۵	مبحث پنجم: محرومیت از حقوق اجتماعی
۸۰۵	فصل ششم: سایر مقررات
۸۰۶	آزمون ارشد سراسری ۹۹
۸۱۰	پاسخنامه آزمون ارشد سراسری ۹۹
۸۱۱	آزمون ارشد سراسری ۱۴۰۰
۸۱۴	پاسخنامه آزمون ارشد سراسری ۱۴۰۰
۸۱۵	آزمون وکالت ۹۹
۸۱۹	پاسخنامه آزمون وکالت ۹۹
۸۲۰	آزمون وکالت ۱۴۰۰
۸۲۴	پاسخنامه آزمون وکالت ۱۴۰۰
۸۲۵	آزمون ارشد سراسری ۱۴۰۱
۸۲۸	پاسخنامه آزمون ارشد سراسری ۱۴۰۱
۸۲۹	آزمون وکالت قوه قضائیه ۱۴۰۱
۸۳۴	پاسخنامه آزمون وکالت قوه قضائیه ۱۴۰۱
۸۳۵	آزمون ارشد سراسری ۱۴۰۲
۸۳۸	پاسخنامه آزمون ارشد سراسری ۱۴۰۲
۸۳۹	آزمون وکالت ۱۴۰۱
۸۴۳	پاسخنامه آزمون وکالت ۱۴۰۱
۸۴۷	آزمون وکالت قوه قضائیه ۱۴۰۲
۸۵۱	پاسخنامه آزمون وکالت قوه قضائیه ۱۴۰۲
۸۵۴	درستنامه

قانون آیین دادرسی کیفری

مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۸

بخش اول: کلیات

فصل اول: تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول حاکم بر آن

ماده ۱- آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به رأی، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.

نکته ۱: آیین دادرسی کیفری یکی از رشته‌های مهم علوم جنایی است که به مطالعه سازمان و تشکیلات مراجع قضایی و نحوه رسیدگی آنها می‌پردازد.

نکته ۲: قانون‌گذار در این ماده به‌صورت کاملاً درستی به تعقیب متهمین اشاره کرده است؛ زیرا ما در امر تعقیب، با فردی که متهم به ارتکاب جرم است، یعنی شخصی که ادعا شده جرمی را مرتکب گردیده، روبرو هستیم و هدف از رسیدگی‌های کیفری نیز، تشخیص گناهکاری یا بی‌گناهی متهم است و تنها، پس از اعلام مجرمیت به‌واسطه حکم قطعی دادگاه است که می‌توان عنوان مجرم را بر شخص مرتکب جرم، اطلاق نمود. از این رو، اطلاق عنوان مجرم (در قانون سابق به تعقیب مجرمین اشاره شده بود) به فردی که در پناه اصل برائت قرار دارد و تا اثبات مجرمیت وی در دادگاه، بی‌گناه فرض می‌شود، پسندیده نیست.

نکته ۳: از نوآوری‌های این ماده در تعریف آیین دادرسی کیفری، می‌توان به این موارد اشاره نمود: ۱- میانجی‌گری ۲- صلح میان طرفین ۳- تعیین وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری ۴- رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه.

نکته ۴: صلاحیت مراجع کیفری و ادله اثبات اتهام، از موضوعات مهم مورد بحث در آیین دادرسی کیفری است که در این ماده به آن‌ها اشاره نشده است.

نکته ۵: قانون‌گذار در بخش کلیات در موارد [۲، ۳، ۴، ۵، ۶] به برخی از اصول دادرسی کیفری

اشاره کرده است که این اصول در تمام مراحل دادرسی باید رعایت شوند و عدم رعایت آنها، می‌تواند موجب نقض رأی در مراجع بالاتر شود.

۱- به کدام یک از موارد زیر در تعریف آیین دادرسی کیفری، در قانون آیین دادرسی کیفری، اشاره نشده است؟

(تالیفی)

الف) تعقیب متهمان

ب) تعیین وظایف و اختیارات ضابطین دادگستری

ج) تعیین مراجع صلاحیت‌دار

د) هر سه مورد در تعریف آیین دادرسی کیفری ذکر شده است.

۲- «الف» با تابعیت ایرانی، در شهرضا در استان اصفهان، با پرداخت مبالغی، از یک گروه تروریستی مرزهای غربی ایران حمایت مالی می‌کند. در پرونده دیگر، «ب» با تابعیت اردنی، در کشور قطر، با اقدامی مشابه، از برنامه‌ریزی جهت اقدام تروریستی در شهر اهواز حمایت کرده و در زمان مفزور وی در اصفهان دستگیر شده است. دادگاه صالح، به ترتیب، جهت رسیدگی به اتهام «الف» و «ب» کدام است؟

(ارشر سراسری ۹۸)

الف) انقلاب تهران - انقلاب اصفهان - انقلاب تهران

ب) انقلاب اصفهان - انقلاب اصفهان - انقلاب اصفهان

ج) کیفری یک اصفهان - کیفری یک تهران

د) انقلاب اصفهان - انقلاب اصفهان

پاسخنامه

- ۱ ج همان طور که در نکات گذشته نیز اشاره شد؛ قانون‌گذار با توجه به اهمیتی که تعیین مراجع صلاحیت‌دار در مباحث آیین دادرسی کیفری دارد، به این امر در تعریف آیین دادرسی کیفری اشاره نکرده است و همچنین به ادله اثبات اتهام نیز اشاره نکرده است رجوع شود به نکته شماره ۴.
- ۲ ج مستند به ماده ۹ قانون مبارزه با تامین مالی تروریسم و ماده ۳۱۶ ق.آ.د.ک.

ماده ۲ - دادرسی کیفری باید مستند به قانون باشد، حقوق طرفین دعوا را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی، به سبب ارتکاب جرائم مشابه، تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.

نکته ۱: منظور از مستند به قانون بودن دادرسی کیفری، اصل قانونی بودن رسیدگی و مستند به قانون بودن احکام دادگاه و سایر مراحل رسیدگی کیفری است که هم در قانون اساسی و هم در قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است.

نکته ۲: قانون‌گذار، به قانونی بودن آیین دادرسی در ماده ۱۲ ق.م.ا، صراحتاً اشاره نموده است. این ماده چنین مقرر می‌دارد: حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی باید از طریق دادگاه صالح

به موجب قانون و با رعایت شرایط و کیفیات مقرر در آن باشد.

نکته ۳: آیین دادرسی کیفری، دو هدف را دنبال می‌کند: یکی اعاده نظم مختل شده به وسیله جرم ارتكابی و دیگری حفظ حقوق و آزادی‌های اساسی افراد. این دو هدف، هر دو واجد اهمیت هستند و ایجاد تعادل میان آن دو، هدف واحدی است که آیین دادرسی کیفری به دنبال آن است. به عبارت دیگر، از یک طرف نباید به نام تأمین امنیت و حفظ نظم عمومی، حقوق دفاعی متهم نادیده گرفته شود و از طرف دیگر نباید به عنوان حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی، از حفظ نظم عمومی غفلت ورزید. اشاره این ماده به تضمین حقوق طرفین دعوی نیز، در همین راستاست.

نکته ۴: عبارت اخیر این ماده، نمودی از اصل تساوی افراد در برابر قانون است.

۱- این عبارت در ماده ۲ ق.آ.د.ک، بیانگر کدامیک از موارد زیر است: «..... قواعد دادرسی کیفری باید نسبت به اشخاصی که به سبب جرائم مشابه در شرایط مساوی تمت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.» (تالیفی)

- الف) اصل قانونی بودن رسیدگی‌های کیفری
ب) اصل تساوی افراد در برابر قانون
ج) اصل تفسیر مضیق به نفع متهم
د) هیچک

۲- طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد. این مکم، متضمن کدامیک از اصول جزایی زیر است؟ (وکالت ۹۸)

- الف) «قانونی بودن مجازات» و «قانونی بودن دادرسی»
ب) «قانونی بودن جرم و مجازات» و «شخصی بودن مسئولیت کیفری»
ج) «قانونی بودن دادرسی» و «قانونی بودن جرم»
د) «فردی کردن کیفر» و «شخصی بودن مجازات»

پاسخنامه

۱ ب رجوع شود به نکته ۴.

۲ الف

ماده ۳- مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل به اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ نمایند و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرآیند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.

نکته ۱: بی‌طرفی (عدم وابستگی به طرفین دعوا)، استقلال (بی‌طرفی و استقلال قاضی دادگاه) و رسیدگی به اتهام در کوتاه‌ترین مهلت ممکن از ویژگی‌های یک دادرسی منصفانه است.

نکته ۲: در نظام دادرسی کیفری ایران، هم در قانون جدید و هم در قانون سابق، اصل بی‌طرفی مقام

قضایی، مورد تأکید مقنن قرار گرفته است. به این ترتیب که به منظور تضمین بی طرفی و پرهیز از هرگونه شبهه جانبداری از یکی از طرفین دعوای کیفری، دادرسی که پرونده به او ارجاع شده، در موارد رد دادرسی باید از رسیدگی به پرونده خودداری ورزیده و امر رسیدگی را به قاضی دیگری واگذار نماید.

نکته ۳: علاوه بر موارد رد دادرسی که در ق.آ.د.ک به آن‌ها اشاره شده است، این ماده صراحتاً به بی طرفی و استقلال کامل قاضی دادگاه اشاره نموده است.

نکته ۴: اطالة دادرسی یکی از معضلاتی است که نظام قضایی ایران چند سالی است که گرفتار آن است و از همین روست که قانون‌گذار در این ماده، قضات را مکلف به رسیدگی به پرونده، در کوتاه‌ترین مهلت ممکن کرده و آن‌ها را از هر اقدامی که باعث طولانی شدن فرآیند دادرسی می‌شود، منع نموده است.

.....

.....

۱- اصل بی طرفی مقام قضایی: (تالیفی)

الف) صراحتاً در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی شده است.

ب) صراحتاً در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده است.

ج) صراحتاً در قانون آیین دادرسی کیفری پیش‌بینی نشده است.

د) موارد الف و ب

۲- رسیدگی توسط دادرسی که دارای موارد رد است کدام اصل دادرسی را نقض می‌کند؟ (مقتضات ۹۷)

الف) توافقی بودن دادرسی ب) براءت ج) استقلال د) بی طرفی

پاسخنامه

۱ الف مستند به ماده ۳ ق.آ.د.ک.

۲ د مستند به ماده ۳ ق.آ.د.ک جهات رد دادرسی برای تضمین بی طرفی قضات در قانون پیش‌بینی شده است.

ماده ۴- اصل، براءت است. هرگونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص جز به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی مجاز نیست و در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

نکته ۱: اصل براءت، یکی از اصول تضمین‌کننده حقوق و آزادی‌های فردی و مهم‌ترین اصل در دادرسی کیفری است که مطابق آن، هرکس بی‌گناه فرض می‌شود، مگر اینکه ارتکاب او به جرم، به اثبات برسد. در جریان رسیدگی‌های کیفری، متهم نیز، از این حق برخوردار است که بی‌گناه فرض شود تا آنکه ارتکاب جرم منتسب به او، به موجب حکم قطعی دادگاه ثابت شود. با رعایت

این اصل، کرامت انسانی متهم رعایت می‌گردد و وی می‌تواند تا آخرین لحظه قطعی شدن حکم محکومیت خود، از تمامی امکانات دفاعی موجود بهره گیرد.

نکته ۲: بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) که به امضای دولت و تصویب مجلس ایران نیز رسیده و طبق ماده ۹ قانون مدنی، در حکم قانون بوده و در دادگاه‌ها نیز لازم‌الاجراست، در خصوص اصل برائت چنین مقرر می‌دارد: هرکس متهم به جرمی شود، تا زمانی که بزهکاری او مطابق قانون به اثبات برسد، بی‌گناه فرض می‌شود.

هم‌چنین اصل ۳۷ قانون اساسی کشورمان، بیانگر اصل برائت است که مقرر می‌دارد: اصل، برائت است و هیچ‌کس از نظر قانونی مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود. بند ۲ ماده واحده قانون حقوق شهروندی نیز تأکید می‌کند که: تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستند و مستدل به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبود قانون)، قطعی نگردیده، اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار باشد.

نکته ۳: پذیرش اصل برائت، آثاری دارد که مراجع قضایی ملزم به رعایت آن هستند. این آثار عبارتند از:

۱- مسئولیت ارائه دلیل مجرمیت متهم، برعهده دادستان است که در دعوی عمومی، طرف اصلی متهم محسوب می‌شود. اما اثر نخست اصل برائت، که منجر به لزوم اثبات مجرمیت متهم توسط مرجع تعقیب‌کننده می‌شود، این نتیجه را در پی دارد که پس از اثبات این امر، در صورت ادعای وجود یک عامل توجیه‌کننده، نظیر دفاع مشروع یا هر عامل دیگری که سبب سلب مسئولیت کیفری یا مجازات از متهم شود؛ نوبت به متهم می‌رسد که وجود چنین عاملی را اثبات نماید و این، مقتضای همان قاعده عمومی «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» است.

۲- چون اصل بر بی‌گناهی متهم است، وی مجبور به اثبات بی‌گناهی خود نیست؛ چرا که اصل، نیاز به اثبات ندارد.

۳- برای اثبات گناهکاری متهم، وی مجبور به اعتراف به ارتکاب عملی که به او نسبت داده می‌شود، نیست.

۴- در موارد تردید در حکم قانون یا در موضوع آن، باید تفسیر شک به نفع متهم، کرد و به اصل برائت پایبند بود، چرا که اصل بر برائت است و خروج از اصل، نیازمند دلیل است نه بقاء بر اصل.

۵- آزادی فوری متهم پس از صدور حکم برائت وی از سوی دادگاه، حتی قبل از قطعیت حکم، یکی دیگر از آثار اصل برائت است.



(تالیفی)

۱- اصل برائت در کدامیک از قوانین زیر پیش‌بینی شده است؟

الف) قانون اساسی

ب) قانون آیین دادرسی کیفری

ج) ماده واحده قانون احترام به آزادی مشروع و حفظ حقوق شهروندی
د) هر سه مورد

پاسخنامه

۱ د اصل برائت علاوه بر اینکه در قانون اساسی پیش‌بینی شده است، صراحتاً در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳ و قانون آیین دادرسی کیفری، نیز پیش‌بینی شده است. به علاوه بند ۲ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که به تصویب مجلس ایران نیز رسیده است، اصل برائت را صراحتاً مورد پذیرش قرار داده است.

ماده ۵- متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.

نکته ۱: این ماده بیانگر اصل توافعی بودن رسیدگی‌های کیفری به‌عنوان یکی از ویژگی‌های نظام دادرسی اتهامی است. بر مبنای این اصل، دادرسی با حضور طرفین دعوا انجام می‌گیرد. شاکی و مشتکی‌عنه، از ادله و مدافعات یکدیگر آگاه‌شده و هرگاه اعتراضی داشته باشند، اعلام می‌نمایند تا زوایای پنهان موضوع متنازع فیه در دادگاه روشن شود.

نکته ۲: حق اطلاع متهم از اتهام خود و ادله آن و همچنین حق دسترسی به وکیل، محدود به زمان و مکان خاصی نبوده و در تمام مراحل باید رعایت شود. (خالقی، علی، نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری، چاپ نهم ص ۳۰)

۱- ماده ۵ ق.آ.د.ک مقرر داشته که: متهم باید در اسرع وقت از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه گردد. این امر بیانگر کدام یک از موارد زیر است؟

(تالیفی)

ب) توافعی بودن رسیدگی

الف) علنی بودن رسیدگی

د) غیرعلنی بودن رسیدگی

ج) غیرتوافعی بودن رسیدگی

پاسخنامه

۱ ب آگاهی متهم از ادله اتهام انتسابی، نشانگر پذیرش توافعی بودن رسیدگی از سوی مقنن ایران است و این امر تا حدودی ویژگی تفتیشی بودن مرحله تحقیقات مقدماتی را در نظام دادرسی کیفری ایران تعدیل نموده است.

ماده ۶- متهم، بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرآیند دادرسی آگاه شوند و ساز و کارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

نکته ۱: یکی از معیارهای دادرسی منصفانه و عادلانه که در اسناد حقوق بشری به آن تأکید شده است، برخورداری متهم از حقوق خود در فرآیند دادرسی و لزوم آگاه کردن متهم در مورد داشتن این حقوق است.

نکته ۲: لزوم آگاهی یافتن بزهدیده از حقوق خود در فرآیند دادرسی کیفری، نشانگر توجه بزهدیده شناسانه قانون‌گذار به شخص بزهدیده است؛ به عبارت دیگر، آگاهی یافتن بزهدیده از حقوق خود در فرآیند دادرسی از ره‌آوردهای بزهدیده‌شناسی به منزله یکی از علوم جنایی تجربی است.

نکته ۳: مقصود از سایر افراد ذی‌ربط در فرآیند دادرسی، مطلع، اعلام‌کننده جرم و خانواده آن‌ها و خانواده افراد مذکور در این ماده است. که بر طبق قانون حاضر باید از حقوقی از جمله، حق حمایت در برابر تهدیدات برخوردار شوند. به‌عنوان نمونه نکته ماده ۹۷. (رجوع کنید، همان، ص ۳۱)



۱- آگاه کردن متهم از حقوق خود در فرآیند دادرسی کیفری:

(تالیفی)

الف) از اختیارات مقام قضایی است.

ب) تکلیف مقام قضایی است.

ج) از اختیارات ضابطین دادگستری است.

د) در قانون آیین دادرسی کیفری به سکوت برگزارشده است.

پاسخنامه

۱ ب با توجه به وجود لفظ «باید» در متن ماده ۶ ق.آ.د.ک، آگاه‌کردن متهم از حقوق خود در فرآیند دادرسی کیفری، از تکالیف مقام قضایی اعم از قضات دادسرا و دادگاه است.

ماده ۷-۷ در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵» از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرآیند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارده، به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ محکوم می‌شوند، مگر آن که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

نکته ۱: رعایت حقوق مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، تکلیف کلیه محاکم عمومی، انقلاب، نظامی و دادسراها و ضابطان دادگستری است. این تکلیف، هم به‌موجب صدر ماده واحده قانون مذکور و هم، ماده ۷ ق.آ.د.ک، بر عهده نهادهای مذکور گذاشته شده است. به‌نحوی که عدم رعایت قانون مذکور توسط محاکم، جرم و قابل مجازات قلمداد شده است.

نکته ۲: حقوق شهروندی افراد در فرآیند دادرسی کیفری، در قانون احترام به آزادی مشروع و حفظ

حقوق شهروندی در ۱۵ بند به شرح زیر ذکر شده است:

۱- کشف و تعقیب جرائم و اجرای تحقیقات و صدور قرارهای تأمین و بازداشت موقت می‌باید مبتنی بر رعایت قوانین و با حکم و دستور قضایی مشخص و شفاف صورت گیرد و از اعمال هرگونه علایق شخصی و سوءاستفاده از قدرت و یا اعمال هرگونه خشونت و یا بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت اجتناب شود.

۲- محکومیت‌ها باید طبق ترتیبات قانونی و منحصر به مباشر، شریک و معاون جرم باشد و تا جرم در دادگاه صالح اثبات نشود و رأی مستدل و مستند به مواد قانونی و یا منابع فقهی معتبر (در صورت نبود قانون)، قطعی نگردیده، اصل بر برائت متهم بوده و هرکس حق دارد در پناه قانون از امنیت لازم برخوردار شود.

۳- محاکم و دادسراها مکلفند حق دفاع متهمان و مشتکی‌عنه‌م را رعایت کرده و فرصت استفاده از وکیل و کارشناس را برای آن‌ها فراهم کنند.

۴- با دادخواهان و اشخاص در مظان اتهام و مرتکبان جرائم و مطلعان از وقایع، وکلا در اجرای وظیفه محوله و برخورد با مردم، لازم است اخلاق و موازین اسلامی کاملاً مراعات گردد.

۵- اصل منع دستگیری و بازداشت افراد، ایجاب می‌کند که در موارد ضروری نیز، به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر پرونده به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.

۶- در جریان دستگیری و بازجویی یا استطلاع و تحقیق، از ایزدای افراد، نظیر بستن چشم و سایر اعضا، تحقیر و استخفاف آنان اجتناب گردد.

۷- بازجویان و مأموران تحقیق از پوشاندن صورت و یا نشستن پشت سر متهم یا بردن آنان به اماکن نامعلوم و کلاً اقدام‌های خلاف قانون، خودداری ورزند.

۸- بازرسی‌ها و معاینات محلی جهت دستگیری متهمان فراری یا کشف آلات و ادوات جرم براساس مقررات قانونی، بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی با جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد.

۹- هرگونه شکنجه متهم به‌منظور اخذ اقرار و یا اجبار او به امور دیگر ممنوع بوده و اقرارهای اخذشده بدین وسیله، حجیت شرعی و قانونی نخواهد داشت.

۱۰- تحقیقات و بازجویی‌ها باید مبتنی بر اصول و شیوه‌های علمی و قانونی، همراه با آموزش‌های قبلی و نظارت لازم صورت گیرد و با کسانی که ترتیبات و مقررات را نادیده گرفته و در اجرای وظایف خود به روش‌های خلاف آن متوسل شده‌اند، براساس قانون برخورد جدی صورت گیرد.

۱۱- پرسش‌ها باید مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیرمؤثر در پرونده مورد بررسی، احتراز گردد.

۱۲- پاسخ‌ها به همان کیفیت اظهار شده و بدون تغییر و تبدیل نوشته شود و برای اظهارکننده خوانده شود؛ افراد باسواد در صورت تمایل، خودشان مطالب خود را بنویسند تا شبهه تحریف یا الفا، ایجاد نگردد.

۱۳- محاکم و دادرها بر بازداشتگاه‌های نیروهای ضابط یا دستگاه‌هایی که به موجب قوانین خاص، وظایف آن‌ها را انجام می‌دهند و نحوه رفتار مأمورین و متصدیان مربوط به متهمان، نظارت جدی کنند و مجریان صحیح مقررات را، مورد تقدیر و تشویق قرار دهند و با متخلفان برخورد قانونی شود.

۱۴- از دخل و تصرف ناروا در اموال و اشیای ضبطی و توقیفی متهمان اجتناب نموده و در اولین فرصت ممکن یا ضمن صدور حکم یا قرار در محاکم و دادرها، نسبت به اموال و اشیاء، تعیین تکلیف گردد و مادام که نسبت به آن‌ها اتخاذ تصمیم قضایی نگردیده است، در حفظ و مراقبت آن‌ها اهتمام لازم معمول گردیده و در هیچ موردی نباید از آن‌ها استفاده شخصی و اداری به عمل آید.

۱۵- رئیس قوه قضائیه موظف است هیأتی را به منظور نظارت و حسن اجرای موارد فوق تعیین کند. کلیه دستگاه‌هایی که به نحوی در ارتباط با این موارد قرار دارند، موظف‌اند با این هیأت همکاری لازم را معمول دارند. آن هیأت وظیفه دارد در صورت مشاهده تخلف از قوانین، علاوه بر مساعی در اصلاح روش‌ها و انطباق آن‌ها با مقررات، با متخلفان نیز از طریق مراجع صالح برخورد جدی نموده و نتیجه اقدامات خود را به رئیس قوه قضائیه گزارش نماید.

نکته ۳: باید توجه داشت که رعایت حقوق شهروندی در تمام مراحل دادرسی کیفری، اعم از مرحله کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، رسیدگی و صدور و اجرای حکم، الزامی است و نه صرفاً در مرحله تحقیقات مقدماتی.

نکته ۴: مجازات مقرر در ماده ۵۷۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ که به عنوان ضمانت اجرای نقض حقوق مقرر در قانون احترام به آزادی‌های مشروع ذکر شده است، عبارت است از: انفصال از خدمت و محرومیت یک تا پنج سال از مشاغل حکومتی و حبس از دو ماه تا سه سال.

۱- رعایت حقوق شهروندی مذکور، در قانون احترام به آزادی‌های مشروع و مفظ حقوق شهروندی در چه مرحله‌ای از دادرسی کیفری الزامی است؟

الف) مرحله تحقیقات مقدماتی
ب) مرحله رسیدگی و صدور حکم

ج) مرحله تحقیقات مقدماتی و صدور حکم
د) تمام مراحل دادرسی کیفری

۲- در جریان قرار دادن خانواده دستگیرشدگان، در نظام حقوقی ایران:

الف) تکلیفی است که قانون اساسی، برعهده ضابطان قرار داده است.
ب) تکلیفی است که قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اصلاحی ۱۳۸۱، برعهده ضابطان قرار داده است.
ج) تکلیفی است که قانون آیین دادرسی کیفری، برعهده ضابطان قرار داده است.
د) پیش‌بینی نشده است.

۱ د مستند به ماده ۷ ق.آ.د.ک

۲ ج درست است که در جریان قرار دادن خانواده دستگیر شدگان در اصل، در قانون احترام به آزادی‌های مشروع پیش‌بینی شده است ولی با توجه به ماده ۷ این تکلیف در قانون آ.د.ک نیز پیش‌بینی شده است.

فصل دوم: دعاوی عمومی و دعاوی خصوصی

ماده ۸ - محکومیت به کیفر، فقط ناشی از ارتکاب جرم است و جرم که دارای جنبه الهی است، می‌تواند دو حیثیت داشته باشد:

الف - حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلاق در نظم عمومی

ب - حیثیت خصوصی از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین

نکته ۱: اینکه صدر ماده ۸ مقرر داشته که محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است، بیانگر این امر است که تا جرمی واقع نشود، مجازاتی اعمال نخواهد شد، ولی باید توجه داشت که صرف ارتکاب جرم برای محکومیت به کیفر کافی نیست، بلکه علاوه بر ارتکاب جرم، شخص باید دارای اهلیت جزایی باشد تا بتوان مجازات را بر وی اعمال نمود.

نکته ۲: در گذشته‌های دور و در دوران دادگستری خصوصی در اغلب موارد، زیان وارد به جامعه از خسارتی که متوجه مجنی‌علیه می‌گردید، قابل تفکیک نبود و به همین دلیل نیز، دو دعوای عمومی و خصوصی و به تبع آن‌ها، دو روش مختلف رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری وجود نداشته است. با این حال، با گذشت زمان و پیدایش دادگستری عمومی، زیان وارد بر جامعه، از خسارتی که ممکن است بر اثر ارتکاب جرم به شهروندان وارد شود، جدا شد و اعلام جرم نه فقط حق مجنی‌علیه؛ بلکه تعقیب بزه‌کاران برعهده دولت نیز قرار گرفت.

نکته ۳: با توجه به مجموعه مقررات کیفری از جمله ماده ۱۰۳ ق.م.ا و فلسفه کشف جرم و مجازات مجرمان، چنین استنباط می‌شود که اصل بر عمومی بودن جرم است و خصوصی بودن جرم، نیاز به تصریح دارد و از همین روست که ماده ۱۰۳ ق.م.ا چنین مقرر می‌دارد: چنانچه قابل گذشت بودن جرمی در قانون تصریح نشده باشد، گذشت‌ناپذیر محسوب می‌شود، مگر اینکه حق الناس بوده و شرعاً قابل گذشت باشد.

نکته ۴: اصل آن است که، تمامی جرائم، واجد جنبه عمومی هستند و اینکه برخی جرائم به‌عنوان جرم خصوصی یا قابل گذشت معرفی می‌شوند به این معناست که مقنن جنبه خصوصی را بر جنبه عمومی ترجیح داده است. از همین روست که جرائم خصوصی یا قابل گذشت در ماده ۱۰۴ ق.م.ا، معین گردیده‌اند. منظور از جنبه الهی در متن ماده این است که در حکومت اسلامی، ارتکاب جرم نقض اوامر و نواهی الهی محسوب می‌شود.

نکته ۵: قانون‌گذار در این ماده، صرفاً به حیثیت عمومی و خصوصی جرائم اشاره کرده است. علت این امر نیز، این است که بسیاری از جرائم دارای جنبه شخصی هستند و به حقوق الهی لطمه‌ای نمی‌زنند تا جنبه حق‌اللهی داشته باشند مانند اهانت به دیگران.

نکته ۶: با توجه به ماده ۸ باید گفت: هر جرمی لزوماً حیثیت عمومی دارد ولی فقط برخی از جرائم علاوه بر حیثیت عمومی، حیثیت خصوصی هم دارند.



۱- با توجه به ق.آ.د.ک کدام یک از جرائم زیر دارای جنبه مق‌اللهی است؟ (تالیفی)

- الف) جرائم حدی
ب) جرائم حدی و جرائم دارای جنبه عمومی
ج) کلیه جرائم
د) قانون جدید در این خصوص ساکت است.

پاسخنامه

۱ ج مستند به ماده ۸ ق.آ.د.ک.

ماده ۹- ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوی شود؛

- الف-** دعوای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی
ب- دعوای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است مانند حد قذف و قصاص

نکته ۱: جرم الزاماً واجد جنبه عمومی است اما بسیاری از جرائم علاوه بر جنبه اخیرالذکر، به سبب خسارتی که از ارتکاب آن‌ها به افراد وارد می‌شود، واجد جنبه خصوصی نیز هستند. دعوایی که متضرر از جرم یا قائم مقام قانونی او به تبع دعوای عمومی، در همان دادگاهی که عهده‌دار رسیدگی به جنبه عمومی جرم است، مطرح می‌کند، به «دعوای خصوصی» معروف است.

نکته ۲: علت اینکه قانون‌گذار گفته ارتکاب جرم می‌تواند موجب طرح دو دعوا شود، این است که ارتکاب جرم همواره سبب ورود خسارت به افراد نیست. جرائمی از قبیل تکدی‌گری، ولگردی، حمل سلاح غیرمجاز، استعمال نشان‌های دولتی، اصولاً جنبه عمومی دارند و از ارتکاب آن‌ها فرد یا افراد خاصی، متضرر نمی‌شوند. برعکس، طبیعت بسیاری از جرائم از قبیل سرقت، کلاهبرداری و به‌طورکلی جرائم علیه اموال، به‌گونه‌ای است که علاوه بر جامعه، معمولاً اشخاص نیز از ارتکاب آن‌ها زیان می‌بینند. علی‌هذا جرمی که دارای دو حیثیت است، می‌تواند موجب طرح دو ادعا شود: (و لزوماً موجب طرح دو دعوا نمی‌شود).

ادعای عمومی برای حفظ حقوق عمومی و حدود الهی

ادعای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان شخصی

نکته ۳: از نظر قانون‌گذار، دعوای خصوصی فقط دعوای مطالبه ضرر و زیان نیست بلکه دعوای

مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون، مخصوص بزه‌دیده است دعوی خصوصی تلقی می‌شود؛ مانند مطالبه قذف و قصاص. (رجوع کنید، همان، ص ۳۶)

۱- با توجه به ماده ۹ ق.آ.د.ک، کدام‌یک از گزینه‌های زیر صحیح نیست؟

(تالیفی)

- الف) همه جرائم دارای جنبه عمومی هستند.
 ب) همه جرائم دارای جنبه خصوصی هستند.
 ج) ارتکاب جرم ممکن است موجب طرح دو دعوی عمومی و خصوصی شود.
 د) هر سه گزینه صحیح است.

پاسخنامه

۱ ب همه جرائم دارای جنبه خصوصی نیستند و فقط برخی از جرائم ممکن است علاوه بر جنبه عمومی، دارای جنبه خصوصی باشند.

ماده ۱۰- بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، «شاکی» و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، «مدعی خصوصی» نامیده می‌شود.

نکته ۱: دعوی خصوصی، دعوی ضرر و زیان متضرر از جرم، در دادگاهی است که به امر کیفری رسیدگی می‌کند. تفکیک دعوی عمومی و خصوصی از یکدیگر و آثار مترتب بر هر یک، از ویژگی‌های جوامع پیشرفته امروزی است. این نخستین بار است که قانون آیین دادرسی کیفری از اصطلاح بزه‌دیده استفاده و آن را تعریف می‌کند.

نکته ۲: قانون بین شاکی خصوصی و مدعی خصوصی، تفکیک قائل شده است. شاکی خصوصی کسی است که تعقیب مرتکب را درخواست کند. لکن صرف تقدیم شکایت به مراجع قضایی ذی ربط، هر چند ضمن آن، جبران خسارت نیز، تقاضا شده باشد، اصولاً مراجع کیفری را مکلف به اتخاذ تصمیم درباره ادعای ورود خسارت نمی‌کند و رسیدگی به دعوی ضرر و زیان، نیازمند تقدیم دادخواست و رعایت ضوابط قانونی ناظر به آن است. به همین دلیل این ماده بین شاکی و مدعی خصوصی، قائل به تفکیک شده است.

۱- ق.آ.د.ک:

(تالیفی)

- الف) بین شاکی و مدعی خصوصی، قائل به تفکیک شده است.
 ب) بین شاکی و مدعی خصوصی، قائل به تفکیک نشده است.

- ج) بین شاکی و مدعی خصوصی، صرفاً در جرائم حق الناس، قائل به تفکیک شده است.
 د) بین شاکی و مدعی خصوصی، صرفاً در جرائم دارای جنبه عمومی، قائل به تفکیک شده است.

(ارشد سراسری ۸۱)

۲- تفاوت شاکی خصوصی با مدعی خصوصی چیست؟

- الف) شاکی خصوصی همان مدعی خصوصی است.
 ب) مجنی علیه یا بزه دیده مدعی خصوصی است.
 ج) شاکی خصوصی هرگاه دادخواست ضرر و زیان تسلیم کند مدعی خصوصی است.
 د) متضرر از جرم در دادرسی های کیفری شاکی خصوصی و در دادرسی های مدنی مدعی خصوصی است.

(وکالت ۷۸)

۳- قانوناً مدعی خصوصی کسی است که:

- الف) به تبع شکایت کیفری مطالبه ضرر و زیان کند.
 ب) بدون طرح شکایت کیفری دادخواست داده است.
 ج) تنها شکایت کیفری مطرح نموده است.
 د) شخصاً در طرح شکایت ذی نفع باشد.

(ارشد آزار ۸۸)

۴- مدعی خصوصی کیست؟

- الف) شاکی خصوصی که طرح شکایت می کند.
 ب) هر کسی که از سوی شاکی اقدام به شکایت کیفری می کند.
 ج) شاکی خصوصی که به تبع شکایت کیفری مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم می کند.
 د) هریک از بستگان شاکی خصوصی که دادخواست مطالبه خسارت ناشی از جرم می دهد.

(تالیفی)

۵- اصطلاح بزه دیده از منظر قانون آیین دادرسی کیفری:

- الف) فقط شامل شاکی خصوصی است.
 ب) فقط شامل مدعی خصوصی است.
 ج) هر دو اصطلاح شاکی و مدعی خصوصی را شامل می شود.
 د) هر سه گزینه صحیح است.

پاسخنامه

- ۱ الف مستند به ماده ۱۰ ق.آ.د.ک.
- ۲ ج مستند به ماده ۱۰ ق.آ.د.ک.
- ۳ الف مستند به ماده ۱۰ ق.آ.د.ک.
- ۴ ج مستند به ماده ۱۰ ق.آ.د.ک.
- ۵ ج مستند به ماده ۱۰ ق.آ.د.ک.

ماده ۱۱- تعقیب متهم و اقامه دعوی از جهت حیثیت عمومی بر عهده دادستان و اقامه دعوی و درخواست تعقیب متهم از جهت حیثیت خصوصی با شاکی یا مدعی خصوصی است.

نکته ۱: همان طور که ذیل ماده، از درخواست تعقیب متهم از جهت جنبه خصوصی، از سوی شاکی یاد کرده است، منظور قانون گذار از این ماده این است که تعقیب متهم از هر دو جنبه عمومی و خصوصی، برابر ضوابط قانونی بر عهده دادستان است. النهایه، تعقیب متهم در جنبه خصوصی باید

مسبوق به شکایت شاکی باشد.

نکته ۲: در برخی موارد، شروع به تعقیب دعوای خصوصی نیز برعهده مقام قضایی است و نیازمند تقاضای شاکی خصوصی نیست. مانند جرائمی که علیه افراد محجور و بدون ولی خاص صورت می‌گیرد. (ماده ۷۰ ق.آ.د.ک)

نکته ۳: در جرائمی که واجد دو جنبه عمومی و خصوصی هستند، هرچند با شکایت شاکی، تعقیب شروع می‌شود اما بدون شکایت شاکی نیز، تعقیب متهم از لحاظ جنبه عمومی، از وظایف دادستان است.

نکته ۴: قانون‌گذار در قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۹۹/۲/۲۳ تمام جرائم موضوع قانون مذکور را دارای جنبه عمومی دانسته که بدون شکایت شاکی خصوصی نیز قابل تعقیب هستند. ماده ۳۱ از قانون اخیرالذکر در این باره بیان می‌دارد: «تمام جرائم موضوع این قانون جنبه عمومی داشته و بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب می‌باشد و در صورت گذشت شاکی خصوصی تعقیب موقوف نخواهد شد.»



۱- با توجه به ق.آ.د.ک، اصل الزامی بودن تعقیب:

(تالیفی)

(الف) پذیرفته نشده است.

(ب) صرفاً در جرائم دارای جنبه عمومی پذیرفته شده است.

(ج) صرفاً در جرائم دارای جنبه خصوصی پذیرفته شده است.

(د) پذیرفته شده است.

۲- تعقیب متهم از جهت جنبه خصوصی جرم:

(قضایوت ری ۷۹)

(الف) به‌عهده رئیس حوزه قضایی است.

(ب) از وظایف حاکم دادگاه است.

(ج) پس از شکایت شاکی خصوصی با مرجع قضایی است.

(د) فاقد ضمانت اجرای قانون است.

پاسخنامه

۱ د تکلیف دادرسی به اقامه دعوای عمومی تحت عنوان قاعده قانونی یا الزامی بودن تعقیب شناخته شده است و ماده ۱۱ ق.آ.د.ک نیز صراحتاً حاکی از پذیرش اصل الزامی بودن تعقیب در کلیه جرائم است.

۲ ج مستند به ماده ۱۱ ق.آ.د.ک.

ماده ۱۲- تعقیب متهم در جرائم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت

او موقوف می‌شود.

تبصره- تعیین جرائم قابل گذشت به‌موجب قانون است.

نکته ۱: به‌موجب صدر ماده ۱۰۰ ق.م.ا، در جرائم تعزیری قابل گذشت، گذشت شاکی یا مدعی

خصوصی حسب مورد، موجب موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات است.

نکته ۲: به موجب تبصره ۱ ماده ۱۰۰ ق.م.ا جرائم قابل گذشت، جرائمی هستند که شروع و ادامه تعقیب و رسیدگی و اجرای مجازات، منوط به شکایت شاکی و عدم گذشت وی است.

نکته ۳: به موجب تبصره ۲ ماده ۱۰۰ ق.م.ا جرائم غیر قابل گذشت جرائمی هستند که شکایت شاکی و گذشت وی در شروع به تعقیب و رسیدگی و ادامه آنها و اجرای مجازات تأثیری ندارد.

نکته ۴: اصولاً در کشورهای متحول از نظر قانونی، برای تشخیص جرائم قابل گذشت از جرائم غیر قابل گذشت به دو روش کلی عمل می‌شود: یک روش، تعیین ضابطه قانونی است؛ که در آن قانون‌گذار بدون آنکه جرائم قابل گذشت را با ذکر عنوان مشخص کند ضابطه‌ای برای تشخیص آنها ارائه می‌نماید. روش دوم احصای قانونی است؛ که در آن قانون‌گذار اصل را بر غیر قابل گذشت بودن جرائم قرار می‌دهد و صراحتاً جرائم قابل گذشت را مشخص می‌کند و از آنجایی که تبصره این ماده مقرر داشته که تعیین جرائم قابل گذشت، به موجب قانون است، می‌توان نتیجه گرفت که قانون‌گذار ایران با تصویب ماده ۱۰۴ ق.م.ا، از روش احصای قانونی، تبعیت نموده است.

نکته ۵: طبق ماده ۸ قانون شوراهای حل اختلاف، کلیه جرائم قابل گذشت و جنبه خصوصی جرائم غیر قابل گذشت، با تراضی طرفین اختلاف، جهت حصول صلح و سازش، قابل طرح در شورای حل اختلاف می‌باشد.



ماده ۱۳ - تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف

نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

(الف) فوت متهم یا محکوم‌علیه؛

(ب) گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت؛

(پ) شمول عفو؛

(ت) نسخ مجازات قانونی؛

(ث) شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛

(ج) توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛

(چ) اعتبار امر مختوم؛

تبصره ۱ - درباره دیه مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می‌گردد.

تبصره ۲ - هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه،

تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه در جرائم حق الناسی؛ شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم یا سرپرست قانونی وی ابلغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن، وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.

نکته ۱: به طور کلی، دعوی عمومی در فرآیند دادرسی ممکن است با دو دسته از عوامل برخورد نماید. دسته اول، عواملی هستند که یا مانع طرح و اقامه دعوی عمومی می شوند یا دعوی عمومی را پس از طرح، به صورت موقت متوقف می کنند و پس از برطرف شدن مانع، امر تعقیب ادامه پیدا می کند. این موانع موقتی عبارتند از: ۱- ضرورت شکایت شاکی یا سکوت زیان دیده در جرائم قابل گذشت ۲- مصونیت های قانونی- سیاسی و لزوم تحصیل اجازه از برخی مقامات ۳- اناطه کیفری ۴- جنون (جنون پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی)

دسته دوم عواملی هستند که دعوی عمومی در صورت برخورد با آنها به طور کلی و برای همیشه ساقط می شود. این علل سقوط دعوی عمومی، همان مواردی است که در ماده ۱۳ ق.آ.د.ک ذکر گردیده است.

نکته ۲: فوت متهم یا محکوم علیه، به عنوان یکی از علل سقوط دعوی عمومی، در صورتی که مقدم بر تعقیب امر جزایی باشد؛ تعقیب به جریان نیفتاده و پرونده بایگانی می شود. اگر در جریان تعقیب و رسیدگی اتفاق بیفتد، مرجع رسیدگی کننده اعم از دادسرا یا دادگاه باید مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب نماید. اگر فوت متهم قبل از سپری شدن مهلت اعتراض به رأی محکومیت صورت گیرد، در حالتی که حکم صادره مبنی بر برائت متهم باشد، قطعی می شود و در حالتی که مبنی بر محکومیت باشد به صورت غیر قطعی باقی مانده و پرونده بایگانی می شود. در صورتی که فوت متهم پس از اعتراض به حکم بدوی اتفاق بیفتد مرجع تجدید نظر باید مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب نماید و اگر فوت متهم پس از صدور حکم قطعی انجام شود، این حکم قابل اجرا نیست و موقوف الاجرا باقی مانده و پرونده بایگانی می شود.

نکته ۳: اینکه تبصره ۱ این ماده مقرر داشته که درباره دیه، مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می گردد، به این معناست که اگرچه دیه در قانون مجازات اسلامی، در ردیف مجازات ها، ذکر شده و با توجه به بند الف این ماده، علی الاصول باید با فوت متهم ساقط شود، ولی از آنجا که دیه جنبه جبران خسارت دارد، با فوت متهم ساقط نمی شود. مدعای این سخن نیز مواد ۴۷۴، ۴۷۵ و ۴۷۶ ق.م.ا است ولی مجازات نقدی با فوت محکوم علیه ساقط می شود. به عنوان نمونه ماده ۴۷۶ چنین مقرر می دارد: در صورت فوت مرتکب در مواردی که خود وی مسئول پرداخت دیه است، دیه تابع احکام سایر دیون متوفی است. همچنین چون دیه دعوی خصوصی تلقی می شود تبصره مذکور در واقع جلوه ای از ماده ۲۰ قانون مذکور است که مقرر کرده: سقوط دعوی عمومی موجب سقوط دعوی خصوصی نیست.

نکته ۴: اطلاق کلمه عفو در بند ب این ماده، شامل عفو عمومی و خصوصی می شود اما صدور قرار موقوفی تعقیب، بر مشمولان عفو خصوصی معنا ندارد و لذا صدور قرار موقوفی تعقیب فقط مختص عفو عمومی است. مؤید این مدعا نیز ماده ۹۷ ق.م.ا است که مقرر می دارد: عفو عمومی که به موجب قانون در جرائم موجب تعزیر، اعطا می شود، تعقیب و دادرسی را موقوف می کند. در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای مجازات موقوف و آثار محکومیت نیز زائل می شود.

نکته ۵: نسخ مجازات قانونی در صورتی که مقدم بر تعقیب امر جزایی باشد، پرونده در بدو امر

بایگانی می‌شود. در صورتی که نسخ در جریان تعقیب و قبل از صدور حکم قطعی باشد، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود و در صورتی که نسخ پس از صدور حکم قطعی باشد، مطابق ماده ۱۰ ق.م.ا: اگر حکم قطعی شده باشد، اجرا نخواهد شد. اگر در حال اجرا باشد، موقوف‌الاجرا خواهد شد و اگر اجرا شده باشد، هیچ اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد شد و از سجل کیفری شخص محو می‌شود.

نکته ۶: در خصوص شمول مرور زمان و مقررات مربوط به آن، باید مواد ۱۰۵ الی ۱۱۳ ق.م.ا، مدنظر قرار گیرد. (رجوع شود به مباحث مربوط در کتاب قانون یار مجازات)

نکته ۷: در خصوص مقررات توبه، به‌عنوان یکی از علل سقوط دعوی عمومی، باید مواد ۱۱۴ الی ۱۱۹ ق.م.ا، مدنظر قرار گیرد. (رجوع شود به مباحث مربوط در کتاب قانون یار مجازات)

نکته ۸: مطابق تبصره ۲ ماده ۱۳، هرگاه مرتکب پیش از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود تا زمان افاقه، تعقیب متوقف می‌گردد مگر در جرائم حق الناسی که شرایط ادله اثبات به‌نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در صورت افاقه هم نتواند از خود رفع اتهام کند (در راستای تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا). همچنین در مورد تأثیر جنون بعد از صدور حکم قطعی در جرائم تعزیری م ک به ماده ۵۰۳.

نکته ۹: برخی از موارد مذکور در این ماده، تحت‌عنوان موارد «سقوط مجازات» در ق.م.ا آمده است. در مقابل، یک مورد از موارد سقوط مجازات مذکور در قانون مجازات اسلامی، در اینجا نیامده و آن قاعده «درأ» است.



۱- موانع تعقیب کیفری کدام‌اند؟

(ارشد سراسری ۸۱)

- (الف) عفو عمومی، اعتبار امر مختومه، نسخ قانون جزا
 (ب) نسخ قانون جزا، مرور زمان، اناطه کیفری، مصونیت‌های قانونی
 (ج) گذشت شاکی خصوصی، مرور زمان، اناطه کیفری، فوت متهم
 (د) اناطه کیفری، مصونیت‌های قانونی، سکوت بزه دیده در جرائم قابل گذشت

۲- در کدام موارد قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود؟

(ارشد آزاد ۷۷)

- (الف) جرم نبودن عمل
 (ب) گذشت شاکی در جرائم قابل گذشت
 (ج) نبودن دلیل علیه متهم
 (د) اناطه

۳- قرار موقوفی تعقیب در کدام یک از موارد ذیل صادر می‌شود؟

(ارشد آزاد ۸۷)

- (الف) جرم نبودن عمل انتسابی
 (ب) جنون متهم
 (ج) عفو عمومی
 (د) فقد دلیل

۴- در صورت فوت متهم علیه، دیه:

(ارشد سراسری ۷۵)

- (الف) از اموال متوفی استیفاء می‌گردد.

- (ب) از بیت‌المال پرداخت می‌گردد.
- (ج) چون مجازات است همانند سایر مجازات‌ها بر اثر فوت ساقط می‌شود.
- (د) ساقط شدن آن موکول به موافقت دادگاه صادرکننده حکم است.
- ۵- پنانه‌په متهم پس از صدور محکم قطعی، به حبس توافقی با جزای نقدی و دیه محکوم‌شده باشد، اگر محکوم‌علیه فوت نماید:**
- (الف) فقط جزای نقدی اجرا می‌شود. (ب) حکم کلاً اجرا نمی‌گردد.
- (ج) تنها حکم به پرداخت دیه اجرا می‌شود. (د) حکم اجرا می‌شود.
- ۶- در یک جرم قابل‌گذشت، شاکی به کلی از شکایت خود صرف‌نظر کرده است. دادگاه چه تصمیمی باید اتخاذ نماید؟**
- (الف) قرار منع پیگرد متهم (ب) قرار موقوفی تعقیب متهم
- (ج) حکم برائت متهم (د) قرار سقوط دعوی کیفری
- ۷- در موارد نسخ مجازات، دادسرا:**
- (الف) قرار منع پیگرد صادر می‌نماید.
- (ب) قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.
- (ج) قرار ترک تعقیب صادر می‌نماید.
- (د) در پاره‌ای از موارد قرار منع پیگرد و در برخی موارد قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند.
- ۸- در صورت نسخ قانون جزا، تکلیف چیست؟**
- (الف) قرار منع تعقیب صادر می‌شود. (ب) قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.
- (ج) قرار ترک تعقیب صادر می‌شود. (د) رأی برائت صادر می‌شود.
- ۹- اهراز وجمود اعتبار امر مختومه در امور کیفری موجب صدور می‌شود.**
- (الف) دستور بایگانی شدن پرونده (ب) قرار موقوفی تعقیب
- (ج) قرار منع تعقیب (د) حکم مجدد
- ۱۰- در صورتی‌که جرمی مشمول مرور زمان شود، دادسرا چه نوع قرار صادر می‌کند؟**
- (الف) قرار منع پیگرد (ب) قرار موقوفی تعقیب
- (ج) قرار تعلیق تعقیب (د) قرار ترک تعقیب
- ۱۱- کدام‌یک از موارد زیر از مویبات صدور قرار موقوفی تعقیب نیست؟**
- (الف) عفو عمومی
- (ب) فوت متهم یا محکوم‌علیه
- (ج) نسخ مجازات قانونی پس از ارتکاب جرم
- (د) گذشت شاکی خصوصی در جرم غیرقابل‌گذشت
- ۱۲- در صورتی‌که شفص متهم به قتل عمدی، قبل از صدور محکم قطعی، مبتلا به جنون شود:**

الف) تعقیب کیفری موقوف خواهد شد.

ب) تعقیب کیفری تا زمان افاقه متوقف خواهد شد.

ج) تعقیب کیفری ادامه خواهد یافت.

د) با درخواست دادستان و موافقت دادگاه، فقط برای یکبار تعقیب متوقف خواهد شد.

۱۳- در صورتی که شخص متهم، قبل از صدور حکم مبتلا به جنون شود؟ (تالیفی)

الف) تعقیب کیفری موقوف خواهد شد مگر آن که ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند.

ب) تعقیب کیفری تا زمان افاقه موقوف خواهد شد مگر آن که ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند.

ج) تعقیب کیفری موقوف خواهد شد، مگر در جرائم حق الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند.

د) تعقیب کیفری تا زمان افاقه موقوف خواهد شد مگر در جرائم حق الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند.

۱۴- کدام مورد از موارد سقوط دعوی عمومی محسوب نمی‌شود؟ (قضاوت ۹۴)

الف) توبه مجرم

ب) قاعده درء

ج) اعتبار امر مختومه

د) اناطه کیفری

۱۵- «الف» در یک سفرانی به سفران توهین می‌کند. با شکایت سفران، پرونده تشکیل شده و در مین تمقیقات مقدماتی، «الف» به جنون مبتلا می‌شود. تکلیف بازپرس پرونده چیست؟ (ارشر سراسری ۹۶)

الف) در صورت موافقت دادستان، قرار موقوفی تعقیب را صادر می‌کند.

ب) در صورت صلاحدید دادستان و درخواست او، قرار تعلیق تعقیب را تا زمان افاقه متهم صادر می‌کند.

ج) فارغ از شهادت شهود، در صورت تعیین وکیل پیش از جنون و درخواست وکیل، قرار بایگانی پرونده را تا زمان افاقه صادر می‌کند.

د) در صورت شهادت شهود حاضر در سخنرانی و احراز اینکه «الف» در فرض افاقه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند، رسیدگی را ادامه می‌دهد.

۱۶- هرگاه یکی از موارد سقوط دعوی عمومی، نزد قاضی محقق باشد، کدام قرار باید صادر شود؟ (قضاوت ۹۵)

الف) منع تعقیب

ب) موقوفی تعقیب

ج) بایگانی پرونده

د) ترک تعقیب

۱۷- فردی که مرتکب جرم حق الناسی شده است، در اثنای تعقیب مبتلا به جنون می‌شود، چنانچه شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که وی در فرض افاقه هم نتواند از خود رفع اتهام کند، در مورد وی چگونه اقدام می‌شود؟ (قضاوت ۹۷)

الف) در صورت عدم معرفی وکیل از سوی ولی، قیم یا سرپرست قانونی او، برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب ادامه می‌یابد.

- ب) در صورت عدم معرفی وکیل از سوی ولی، قیم یا سرپرست قانونی او، بدون وکیل، تعقیب ادامه می‌یابد.
- ج) در هر صورت، نیازی به تعیین وکیل تعیینی یا تسخیری نیست و تعقیب ادامه می‌یابد.
- د) صرفاً در صورتی که جرم ارتكابی در صلاحیت دادگاه کیفری یک باشد، در صورت عدم معرفی وکیل از سوی ولی، قیم یا سرپرست قانونی او، برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب ادامه می‌یابد.

۱۸- هرگاه مرتکب جرم، پیش از صدور حکم قطعی مجنون شود، کدام مورد در فصوص ادامه رسیدگی کیفری صمیع است؟

(وکالت کرمانشاه ۹۷)

- الف) صرفاً در جرائم حق الناسی و چنانچه شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که متهم در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام نماید، پس از انتخاب وکیل تسخیری یا تعیینی، رسیدگی کیفری ادامه می‌یابد.
- ب) صرفاً در حدودی که جنبه حق‌اللهی دارند و ادله اثباتی آن از نوع بینه شرعی است، پس از درخواست دادستان و تعیین وکیل تسخیری برای متهم، دادرسی کیفری ادامه می‌یابد.
- ج) چنانچه متهم قبل از جنون، وکیل تعیین کرده باشد، در کلیه جرائم رسیدگی با حضور وکیل تداوم می‌یابد.
- د) در همه جرائم تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی کیفری متوقف می‌شود.

پاسخنامه

- ۱ د منظور از موانع تعقیب، موانع موقتی تعقیب است که مواردی غیر از آنهایی است که در ماده ۱۳ پیش‌بینی شده است.
- ۲ ب مستند به ماده ۱۳ ق.آ.د.ک.
- ۳ ج مستند به ماده ۱۳ ق.آ.د.ک.
- ۴ الف مستند به تبصره ۱ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک و ماده ۴۷۶ ق.م.ا.
- ۵ ج مستند به ماده ۱۳ ق.آ.د.ک و تبصره ۱ آن و ماده ۴۷۶ ق.م.ا.
- ۶ ب مستند به ماده ۱۳ ق.آ.د.ک و ماده ۱۰۰ ق.م.ا.
- ۷ ب مستند به ماده ۱۳ ق.آ.د.ک.
- ۸ ب مستند به ماده ۱۳ ق.آ.د.ک.
- ۹ ب مستند به ماده ۱۳ ق.آ.د.ک.
- ۱۰ ب مستند به ماده ۱۳ ق.آ.د.ک.
- ۱۱ د مستند به ماده ۱۳ ق.آ.د.ک.
- ۱۲ ب مستند به تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک.
- ۱۳ د مستند به تبصره ۲ اصلاحی ماده ۱۳ ق.آ.د.ک.
- ۱۴ د گزینه الف و ج طبق ماده ۱۳ ق.آ.د.ک از جمله عوامل شکلی سقوط دعوا و گزینه ب از جمله عوامل ماهوی سقوط دعوا پیش‌بینی شده در ماده ۱۲۰ ق.م.ا است.
- ۱۵ د مستند به تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک.
- ۱۶ ب مستند به ماده ۱۳ ق.آ.د.ک.
- ۱۷ الف مستند به تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک.
- ۱۸ الف. مستند به تبصره ۲ ماده ۱۳ ق.آ.د.ک.

ماده ۱۴- شاکی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول ناشی از جرم را مطالبه کند.

تبصره ۱- زیان معنوی عبارت از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور حکم به جبران خسارت مالی، به رفع زیان از طرق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن حکم نماید.

تبصره ۲- منافع ممکن‌الحصول تنها به مواردی اختصاص دارد که صدق اتلاف نماید. همچنین مقررات مرتبط به منافع ممکن‌الحصول و نیز پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی‌شود.

نکته ۱: این ماده ضرر و زیان معنوی را علاوه بر ضرر و زیان مادی و منافع ممکن‌الحصول، قابل مطالبه دانسته است.

نکته ۲: باید بین جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و استرداد اموال و اشیای ناشی از آن قائل به تفکیک شد، چرا که جبران ضرر و زیان ناشی از جرم نیازمند تقدیم دادخواست است؛ درحالی‌که در مواردی قانون‌گذار، تعیین تکلیف اشیای ناشی از جرم و یا به کارگرفته‌شده برای ارتکاب جرم یا اعاده وضع به حال سابق (ماده ۲۱۵ ق.ا.م.) را برعهده مقام قضایی نهاده است، نیازی به تقدیم دادخواست ضرر و زیان و طرح دعوی خصوصی نیست.

نکته ۳: در امور کیفری، ضرر و زیان مادی یا مالی، خسارتی است که بر اثر ارتکاب جرم به اموال و دارایی مجتبیٰ علیه وارد می‌شود و به‌صورت کاهش دارایی مثبت (از بین رفتن اعیان و اموال یا کاهش ارزش آن‌ها) یا افزایش دارایی منفی (انتقال ذمه مالی) منجلی می‌گردد.

نکته ۴: نظریه ۷/۷۹۰۴ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۱ اداره حقوقی قوه قضائیه: «منافع ممکن‌الحصول منافی هستند که مقتضی وجود آنها، حاصل شده باشد مانند درختانی که شکوفه دارند و این شکوفه‌ها مقتضی میوه دادن است و میوه منفعت درخت به شمار می‌آید چرا که به حکم عادت در آینده ایجاد می‌شوند و اینگونه منافع را عرف و قانون در حکم موجود می‌داند و چنانچه کسی اینگونه منافع را تلف کند باید خسارت ناشی از این اقدام را جبران کند و آن را از این جهت منافع ممکن‌الحصول نامیده‌اند که قطعی الوصول نیست، مثلاً شکوفه‌های درختان در عرف مقتضی وجود میوه است اما ممکن است که طوفان و سرما آن را ضایع گرداند. اما منافی هستند که به احتمال در آینده ایجاد می‌شوند، مثل فوت شدن منفعتی که از انجام به‌موقع یک تعهد می‌توانست حاصل آید مثلاً، خریدار آرد نتوانسته آن را به‌موقع تحویل بگیرد و شیرینی بپزد و آن را بفروشد و حال شیرینی در بازار با نزول قیمت روبرو شده است و از این جهت سود کمتری عاید خریدار می‌شود و قسمتی از آن سود احتمالی از دست وی رفته است که این را عدم النفع می‌گویند.

نکته ۵: محروم شدن شخص از منافی که عادتاً انتظار آن را دارد، منافع فوت‌شده نامیده می‌شود. تفویت منفعت به دو صورت محقق و محتمل قابل تصور است. منفعت محقق آن است که اگر فعل زیان بار به وقوع نمی‌پیوست، آن منفعت یقیناً عاید شخص می‌شد و به نظر می‌رسد منظور قانون‌گذار از منافع ممکن‌الحصول در صدر ماده ۱۴ ق.آ.د.ک، همین منافع محقق باشد. همان‌طور

که در تبصره ۲ قانون‌گذار منافع ممکن‌الحصول را به مواردی اختصاص داده که صدق اتلاف نماید. در مقابل منافع محقق، منافع محتمل وجود دارد و آن منافی است که در صورت عدم وقوع جرم، احتمالاً و نه قطعاً، عاید زیان‌دیده می‌شده است. این منافع محتمل‌الحصول، قابل مطالبه نیستند چراکه بین فعل زیان بار و عدم تحصیل منافع مورد ادعا، رابطه علیت وجود ندارد.

نکته ۶: باید توجه داشت که با توجه به تبصره ۱ این ماده، نحوه جبران ضرر و زیان معنوی، فقط مالی نیست و دادگاه می‌تواند به طرق دیگری مثل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید، آن را جبران کند.

نکته ۷: در خصوص جبران خسارت مازاد بر دیه تا قبل از اصلاحیه اخیر تبصره ۲ این ماده، صرفاً هزینه‌های متعارف درمان را، قابل مطالبه دانسته بود اما متأسفانه قانون‌گذار آن را حذف کرد. قانون‌گذار در عوض چرخش ۱۸۰ درجه نشان داد؛ به عبارت دیگر با توجه به تبصره ۲ در حال حاضر، نه تنها جبران خسارت مازاد بر دیه قابل مطالبه نیست، بلکه در خصوص دیات، منافع ممکن‌الحصول و خسارات معنوی نیز قابل مطالبه نیست. این حکم در خصوص تعزیرات منصوص شرعی نیز جاری است.

نکته ۸: طبق تبصره ۲ و نص این ماده عدم پرداخت خسارت به‌عنوان منافع ممکن‌الحصول و خسارت معنوی در جرائمی که از تعزیرات منصوص شرعی یا مستوجب دیه باشند در حالی است که اگر این جرائم مستلزم حد یا قصاص یا تعزیر غیر منصوص باشد با توجه به مفهوم مخالف ماده، باید حکم به پرداخت منافع ممکن‌الحصول و خسارت معنوی داده شود.

۱- مطالبه ضرر و زیان معنوی:

(سراسری ۷۷)

الف) تا مبلغ یک میلیون ریال قابل مطالبه است.

ب) چنانچه متقاضی آن را تقویم به پول نکرده باشد، قانونی و قابل مطالبه است.

ج) فاقد وجاهت قانونی است.

د) قانونی و منطبق با قانون اساسی و قوانین موضوعه است.

۲- صدور حکم به پرداخت خسارت معنوی و منافع ممکن‌الموصول در کدام یک از جرائم زیر

(تالیفی)

امکان‌پذیر است؟

الف) جرائم مستلزم تعزیر منصوص شرعی

ب) جرائم مستلزم قصاص عضو

ج) جرائم مستلزم پرداخت دیه

د) در همه موارد امکان صدور حکم به پرداخت خسارت معنوی و منافع ممکن‌الحصول طبق ق.آ.د.ک

امکان‌پذیر است.

۳- ضرر و زیان معنوی ناشی از جرم، در کدام مورد، قابل مطالبه است؟

(وکالت ۹۳)

الف) در کلیه جرائم با هر میزان، به استثنای جرائم مستوجب تعزیرات شرعی و دیه

- ب) در کلیه جرائم ارتكابی و با هر میزان
 ج) فاقد وجاهت قانونی است و قابل مطالبه نیست.
 د) فقط در جرائم تعزیری درجه شش، هفت و هشت

۴- در فرآیند دادرسی کیفری، کدامیک از فاسدات زیر، در دعوی فصوصی ناشی از جرم در دادگاه کیفری قابل مطالبه است؟

(وکالت ۹۴)

- الف) فقط خسارات مادی بالغ بر ده میلیون ریال
 ب) تمام منابع ممکن‌الحصول و خسارات معنوی
 ج) فقط خسارات مادی و معنوی به استثناء جرائم مستوجب تعزیر شرعی
 د) تمام خسارات مادی و نیز خسارات معنوی و منافع ممکن‌الحصول به استثنای جرائم مستوجب تعزیر شرعی و دیه

۵- کدامیک از ضرر و زیان‌های ناشی از جرم، توسط شاکی قابل مطالبه است؟

(مقدمات ۹۵)

- الف) مادی، معنوی و منافع ممکن‌الحصول
 ب) فقط مادی و معنوی
 ج) فقط مادی و منافع ممکن‌الحصول قابل تقویم
 د) فقط مادی

۶- منافع ممکن‌الموصول، در کدام صورت قابل مطالبه است؟

(وکالت ۹۸)

- الف) در غیر جرائم موجب تعزیر منصوص شرعی و دیه، در صورتی که صدق اتلاف نماید.
 ب) در غیر جرائم موجب تعزیر منصوص شرعی و دیه، در صورتی که حصول آن امکان داشته باشد.
 ج) در تمام جرائم، در صورتی که صدق اتلاف نماید.
 د) در تمام جرائم، در صورتی که حصول آن امکان داشته باشد.

پاسخنامه

- ۱ د مستند به تبصره ۱ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک.
- ۲ ب مستند به تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک مقررات مربوط به منافع ممکن‌الحصول و پرداخت خسارت معنوی شامل جرائم موجب تعزیرات منصوص شرعی و دیه نمی شود.
- ۳ الف مستند به تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک.
- ۴ د مستند به تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.کیفری دادخواست ضرر و زیان اصولاً باید قبل از اعلام ختم دادرسی داده شود مگر به استثنای ماده ۸۶ ق.آ.د.ک.
- ۵ الف مستند به ماده ۱۴ ق.آ.د.ک.
- ۶ الف مستند به تبصره ۲ ماده ۱۴ ق.آ.د.ک.

ماده ۱۵- پس از آن که متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان‌دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده، به مرجع تعقیب تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

نکته ۱: منظور از اعلام ختم دادرسی، ختم دادرسی در مرحله بدوی است نه تجدیدنظر؛ زیرا مرجع تجدیدنظر به دعوی که قبلاً در دادگاه بدوی مورد رسیدگی قرار نگرفته است، رسیدگی نمی‌کند. (ماده ۷ ق.آ.د.م.) به علاوه در مرحله واخواهی نیز ختم دادرسی بدوی مدنظر است؛ لذا تقدیم دادخواست ضرر و زیان در مرحله واخواهی و تجدیدنظر ممنوع است.

نکته ۲: رأی وحدت رویه شماره ۵۸۲: مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم که طبق تبصره ماده ۱۶ قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸/۳/۳۱ در دادگاه کیفری مطرح می‌شود عنوان دعوی حقوقی دارد. شروع رسیدگی به دعاوی حقوقی در دادگاه‌ها به صراحت ماده ۷۰ قانون آیین دادرسی مدنی مستلزم دادن دادخواست با شرایط قانونی آن می‌باشد. بنابراین رأی شعبه ۱۴۰ دادگاه کیفری ۱ تهران که مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم را بدون دادن دادخواست نپذیرفته، صحیح تشخیص می‌شود. این رأی بر طبق ماده ۳ از مواد اضافه شده به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۳۷/۵/۱ برای دادگاه‌ها در موارد مشابه، لازم‌الاتباع است.

نکته ۳: با وجود اصل کلی یادشده در آخر ماده ۱۵، مبنی بر لزوم تقدیم دادخواست برای مطالبه ضرر و زیان، در موارد زیر تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه لازم نیست: ۱- رد مال تحصیل شده از جرم، ماده ۲۱۵ ق.آ.د.م. ۲- تکلیف دادگاه به صدور حکم در جرائم خاص مثل کلاهبرداری، ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس و ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ و سرقت، ماده ۶۶۷ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵.

نکته ۴: اگر چه طبق ماده ۱۵، رسیدگی به دعاوی ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه کیفری مستلزم تقدیم دادخواست و هزینه دادرسی و رعایت سایر تشریفات می‌باشد اما اگر دعاوی ضرر و زیان توأمان با جنبه محکومیت، توسط محکوم علیه مورد تجدیدنظر یا فرجام قرار بگیرد دیگر نیازی به رعایت این تشریفات نیست. نک: تبصره ماده ۴۳۶.

۱- تقدیم دادخواست ضرر و زیان در مرحله پذیرفته می‌شود. (ارشد سراسری ۸۵)

- الف) تا ختم رسیدگی - تجدیدنظر
ب) تا ختم رسیدگی - واخواهی
ج) تا ختم رسیدگی - بدوی
د) تا هر زمان - بدوی

۲- مهلت تقدیم دادخواست ضرر و زیان به دادگاه کدام است؟ (مرکز وکلا بومهن ۸۳)

- الف) هم زمان با تسلیم شکایت کیفری
ب) هم زمان با اولین جلسه دادرسی
ج) هم زمان با اعلام ختم دادرسی
د) قبل از اعلام ختم دادرسی

۳- مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم، به موجب قانون آیین دادرسی کیفری، از لایحه (اعیانت تشریفات)

(ارشد سراسری ۸۰)

- الف) بستگی به انتخاب مدعی خصوصی دارد.
ب) تابع تشریفات جنبه عمومی ناشی از جرم است.
ج) مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

(د) نیاز به تشریفات خاصی ندارد.

۴- پس از آنکه متهم تمت تعقیب قرار گرفت، مدعی فصوصی، دادخواست خود را برای مطالبه

ضرر و زیان ناشی از جرم:

(ارشد آزر ۱۸۹)

(الف) تا قبل از اعلام ختم دادرسی می‌تواند تسلیم دادگاه نماید.

(ب) تا اولین جلسه دادرسی می‌تواند تسلیم دادگاه نماید.

(ج) تا قبل از صدور کیفرخواست می‌تواند تسلیم دادگاه نماید.

(د) تا قبل از صدور حکم قطعی می‌تواند تسلیم دادگاه نماید.

۵- در کدام یک از جرائم ذیل، رد مال موضوع جرم، نیازی به تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه

دادرسی ندارد؟

(تالیفی)

(الف) خیانت در امانت (ب) حرق و تخریب (ج) صدور چک بلامحل (د) همه موارد

۶- کدام مورد، در فصوص ضرر و زیان ناشی از جرم، صمیع نیست؟

(قضاوت ۹۴)

(الف) مهلت تقدیم دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم تا پایان جلسه اول دادرسی است.

(ب) شاکی می‌تواند ضرر و زیان مادی، معنوی و منافع ممکن‌الحصول را مطالبه نماید.

(ج) مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

(د) مقررات مربوط به ضرر و زیان معنوی در مورد تعزیرات منصوص شرعی قابل اجرا نیست.

۷- شاکی تا چه زمانی می‌تواند دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه کیفری تقدیم نماید؟

(قضاوت ۹۵)

(ب) پیش از تشکیل جلسه اول دادرسی

(الف) پایان جلسه اول دادرسی

(د) پیش از صدور حکم

(ج) قبل از اعلام ختم دادرسی

پاسخنامه

۱ ج مستند به ماده ۱۵ ق.آ.د.ک.

۲ د مستند به ماده ۱۵ ق.آ.د.ک.

۳ ج مستند به ماده ۱۵ ق.آ.د.ک.

۴ الف مستند به ماده ۱۵ ق.آ.د.ک.

۵ ب در جرائم ذیل دادگاه مکلف است حکم به رد مال موضوع جرم دهد؛ بدون اینکه در این موارد نیازی به تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی داشته باشد، که عبارتند از: جرائم کلاهبرداری، سرقت، حرق و تخریب، اختلاس، جرائم تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق.

۶ الف به استناد ماده ۱۵ ق.آ.د.ک اصولاً مهلت تقدیم دادخواست تا قبل از اعلام ختم دادرسی است. استثنای آن در مواردی است که مطابق ماده ۸۶ ق.آ.د.ک بدون صدور کیفرخواست، دعوای کیفری به‌طور شفاهی مطرح گردد که در این مورد شاکی برای مطالبه ضرر و زیان، حداکثر ظرف ۵ روز باید دادخواست خود را تقدیم دادگاه کند.

۷ ج مستند به ماده ۱۵ ق.آ.د.ک: «پس از آنکه متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان‌دیده از جرم، می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را جهت پیوست به پرونده به مرجع تعقیب، تسلیم کند و تا قبل از اعلام ختم دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند.»

ماده ۱۶- هرگاه دعوای ضرر و زیان ابتداءً در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوای مذکور، قابل طرح در دادگاه کیفری نیست، مگر آنکه مدعی خصوصی پس از اقامه دعوی در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است که در این صورت می‌تواند با استرداد دعوی، به دادگاه کیفری مراجعه کند. اما چنانچه دعوای ضرر و زیان ابتداءً در دادگاه کیفری مطرح و صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود، مدعی خصوصی می‌تواند با استرداد دعوی، برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کند. چنانچه مدعی خصوصی قبلاً هزینه دادرسی را پرداخته باشد نیازی به پرداخت مجدد آن نیست.

نکته ۱: قانون‌گذار ایران به تبعیت از نظام فرانسوی، امکان طرح دعوای خصوصی را در دادگاه کیفری، پیش‌بینی کرده ولی برای آن محدودیت‌هایی قائل شده است؛ از جمله اینکه اگر دعوای ضرر و زیان در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوی مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست؛ مگر آنکه مدعی خصوصی پس از اقامه دعوی در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است.

نکته ۲: در صورتی که مدعی خصوصی، دعوای ضرر و زیان را ابتدا در دادگاه کیفری طرح کرده باشد ولی صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود، مدعی می‌تواند با استرداد دعوا، برای مطالبه ضرر و زیان، به دادگاه حقوقی مراجعه کند.

نکته ۳: لازم به یادآوری است که هم در حالتی که بزه‌دیده دعوای ضرر و زیان خود را ابتدائاً در دادگاه حقوقی مطرح کرده و هم حالتی که آن را ابتدائاً در دادگاه کیفری مطرح کرده است، در صورتی که هزینه دادرسی را پرداخت کرده باشد برای طرح دعوای مجدد، نیازمند پرداخت هزینه دادرسی مجدد نیست.

نکته ۴: در دو مورد فوق، یعنی طرح دعوای خصوصی در دادگاه کیفری پس از طرح اولیه آن در دادگاه حقوقی، و همچنین طرح این دعوا در دادگاه حقوقی پس از طرح اولیه آن در دادگاه کیفری مستلزم استرداد دعوا از دادگاه اول قبل از مراجعه به دادگاه دوم و احراز این امر توسط دادگاه دوم است. (خالقی، علی، نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری، چاپ نهم، ص ۴۷)



۱- در صورتی که دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود، آیا امکان اقامه مجدد آن در

دادگاه کیفری وجود دارد؟ (تالیفی)

دادگاه کیفری وجود دارد؟

الف) مطلقاً بله

ب) مطلقاً خیر

ج) خیر، مگر آنکه مدعی خصوصی پس از اقامه دعوا در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع واجد جنبه کیفری نیز بوده است.

د) بله، مگر آنکه مدعی خصوصی پس از اقامه دعوا در دادگاه حقوقی، متوجه شود که موضوع، واجد جنبه

کیفری نیز بوده است.

۲- در صورتی که دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم ابتدا در دادگاه کیفری مطرح شود آیا امکان اقامه دعوا در دادگاه مقوقی وجود دارد؟
(تالیفی)

الف) فقط در جرائم قابل گذشت

ب) فقط در جرائم غیرقابل گذشت

ج) مطلقاً بله

د) در صورتی که صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود این امکان وجود دارد.

پاسخنامه

۱ ج مستند به صدر ماده ۱۶ ق.آ.د.ک.

۲ د مستند به ماده ۱۶ ق.آ.د.ک.

ماده ۱۷- دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند، مگر آنکه رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیشتر باشد که در این صورت، دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوی ضرر و زیان رسیدگی می‌نماید.

نکته ۱: منظور از دعوی خصوصی در امور کیفری، دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم است که در دادگاه رسیدگی‌کننده به امر کیفری، اقامه می‌شود. از این رو، منظور از امکان طرح دعوی خصوصی در مرجع کیفری، مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم است و نه هر ادعای خصوصی.

نکته ۲: اینکه دادگاه کیفری بتواند به دعوی خصوصی ناشی از جرم نیز رسیدگی نماید، امری استثنایی و خلاف اصل است اما، موافق با منافع بزه‌دیده و کاهش اطاله دادرسی است.

نکته ۳: قانون‌گذار در ماده ۱۷ با به کار بردن عبارت «رأی کیفری»، اشکال ماده ۱۲ سابق را برطرف کرده است. در نتیجه اعم از اینکه رأی دادگاه کیفری، حکم محکومیت، قرار موقوفی تعقیب یا منع تعقیب یا حکم برائت باشد، دادگاه مکلف است ضمن صدور این احکام یا قرارها، در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم نیز مطابق ادله و مدارک موجود، رأی مقتضی صادر کند. مؤید این نظر نص صریح ماده ۲۰ همین قانون است؛ که در موارد صدور قرار موقوفی، منع تعقیب یا حکم برائت، دادگاه را مکلف کرده که به دعوی ضرر و زیان درخواستی نیز رسیدگی و حکم صادر کند.

نکته ۴: با توجه به ماده، دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، حکم به ضرر و زیان نیز بدهد. اما این حکم کلی یک استثناء دارد و آن جایی است که رسیدگی به جنبه خصوصی جرم مستلزم تحقیقات بیشتری باشد که در این صورت، دادگاه کیفری، رأی کیفری را صادر می‌کند و پس از آن، به دعوی ضرر و زیان رسیدگی می‌نماید.



۱- در صورتی که رأی دادگاه کیفری، مکم بر برائت باشد، تعیین تکلیف ضرر و زیان ناشی از جرم: (تالیفی)

- الف) از تکالیف دادگاه است؛ مطابق رأی وحدت رویه.
 ب) از اختیارات دادگاه است؛ مطابق رأی وحدت رویه.
 ج) از تکالیف دادگاه است؛ به موجب نص قانون.
 د) از اختیارات دادگاه است؛ به موجب نص قانون.

۲- هرگاه دادگاه عمومی کیفری (کیفری ۲)، برائت متهم را اعلام نماید در مورد دادخواست ضرر و زیان: (وکالت ۸۳)

- الف) آن را به دادگاه حقوقی ارجاع می دهد.
 ب) اقدام به رسیدگی و صدور حکم می کند.
 ج) مختبر است که رسیدگی نموده یا آن را به دادگاه صالح ارسال دارد.
 د) تکلیفی به رسیدگی و صدور حکم، به علت منتفی شدن امر کیفری ندارد.

۳- پنانچه دادگاه متهم را از نظر جزایی مکتوم کند، در فصوص دعوای ضرر و زیان مدعی فصوصی: (تفصاوت ۷۶)

- الف) باید رسیدگی کند. ب) می تواند رسیدگی کند.
 ج) نباید رسیدگی کند. د) اگر متهم قبول کرد، رسیدگی می کند.

۴- پنانچه صدور حکم در فصوص ضرر و زیان ناشی از جرم نیاز به تمقیقات بیشتر داشته باشد، دادگاه نسبت به جنبه جزایی: (ارشاد آزار ۸۰)

- الف) حکم صادر نموده و نسبت به ضرر و زیان قرار عدم صلاحیت صادر می نماید.
 ب) می تواند حکم صادر نموده و رسیدگی به ضرر و زیان را به تعویق اندازد.
 ج) می تواند حکم صادر نموده و نسبت به ضرر و زیان قرار عدم صلاحیت صادر نماید.
 د) حکم صادر نموده و رسیدگی به ضرر و زیان را به تعویق می اندازد.

پاسخنامه

- ۱ ج مستند به ماده ۱۷ و ۲۰ ق.آ.د.ک.
 ۲ ب مستند به ماده ۱۷ ق.آ.د.ک.
 ۳ الف مستند به ماده ۱۷ ق.آ.د.ک.
 ۴ د مستند به ماده ۱۷ ق.آ.د.ک.

ماده ۱۸- هرگاه رأی قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد، برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می کند، لازم الاتباع است.

نکته ۱: حاکمیت امر مختوم کیفری بر کیفری ایجاب می کند که از طرح مجدد دعوای کیفری بر کیفری، خودداری شود؛ اما این حاکمیت مانع از آن نیست که متضرر از جرم، دعوای ضرر و زیان

ناشی از جرم را متعاقب بر تصمیم مراجع کیفری، اقامه کند. از همین رو در مواردی که شاکی خصوصی، دعوی ضرر و زیان خود را در دادگاه رسیدگی کننده به امر کیفری اقامه نکرده و یا به علتی از علل قانونی دعوی مذکور، منجر به صدور حکم از دادگاه کیفری نشده باشد، شاکی حق دارد دعوی ضرر و زیان خود را در مقابل دادگاه صالح اقامه کند. البته در این فرض، دادگاه حقوقی مجاز نیست که در مورد جنبه کیفری، تصمیمی مغایر با تصمیم دادگاه کیفری اتخاذ کند؛ مثلاً نمی تواند متهمی را که در دادگاه کیفری، حکم برائت اخذ کرده است مجرم بشناسد و این همان چیزی است که در اصطلاح به آن حاکمیت امر مختوم کیفری بر امر حقوقی می گویند.

نکته ۲: حقوق دانان، حاکمیت امر کیفری بر حقوقی را ناشی از امکاناتی می دانند که مراجع کیفری برای دستیابی به حقیقت در اختیار دارند و اینکه مراجع کیفری، دفاع از آسایش و امنیت جامعه را برعهده دارند و تصمیمات آنان ناظر به جان و آزادی شهروندان است. در نتیجه، تصمیمات چنین مراجعی نباید از سوی مراجع دیگر مورد تردید قرار گرفته یا نادیده انگاشته شود.

نکته ۳: ذکر این نکته ضروری است که برخلاف حاکمیت امر مختوم کیفری بر کیفری که اعلام آن، هم از سوی مراجع قضایی و هم توسط اصحاب دعوا، امکان پذیر است، در حاکمیت امر مختوم کیفری بر حقوقی فقط اصحاب دعوی، ذی نفع در اعلام آن شناخته می شوند.

نکته ۴: اصولاً فقط رأی قطعی کیفری به صورت حکم دادگاه در دعوی حقوقی لازم الاتباع محسوب می شود و قرار صادر شده در مرجع کیفری مشمول این حکم قرار نمی گیرد.

نکته ۵: حالت عکس ماده ۱۸، یعنی لازم الاتباع بودن حکم قطعی دادگاه حقوقی برای دادگاه کیفری وجود ندارد. لزوم تبعیت مرجع کیفری از حکم دادگاه حقوقی، امری استثنایی است که فقط در موارد صدور قرار اناطه پیش بینی شده است. (نک، ماده ۲۱)



۱- قاعده حاکمیت امر مختوم کیفری بر حقوقی در ق.آ.د.ک:

- (الف) به صراحت پذیرفته شده است. (ب) پذیرفته نشده است.
(ج) به صورت محدود پذیرفته شده است. (د) پذیرفته شده است ولی یک استثنا دارد.

پاسخنامه

۱ الف مستند به نص ماده ۱۸ ق.آ.د.ک.

ماده ۱۹- دادگاه در مواردی که حکم به رد عین، مثل و یا قیمت مال صادر می کند، مکلف است میزان و مشخصات آن را قید و در صورت تعدد محکوم علیه، حدود مسئولیت هریک را مطابق مقررات مشخص کند.

تبصره- در صورتی که حکم به پرداخت قیمت مال صادر شود، قیمت زمان اجرای حکم، ملاک است.

نکته ۱: ماده ۲۱۴ ق.م.ا در راستای این ماده، چنین مقرر می‌دارد: مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب به جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عین آن را و اگر موجود نباشد مثل آن را و در صورت عدم امکان رد مثل، قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارت وارده نیز برآید. هرگاه از حیث جزایی، وجهی بر عهده مجرم تعلق گیرد، استرداد اموال یا تأدیه خسارت مدعیان خصوصی بر آن مقدم است.

نکته ۲: با توجه به ماده، اگر عین مال موجود باشد باید عین آن مسترد گردد و اگر مال مثلی باشد و عین مال از بین رفته باشد، مثل آن مسترد می‌گردد و اگر مال قیمی باشد، قیمت آن به متضرر داده می‌شود. این برداشت را، ماده ۶۶۷ قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵ در خصوص جرم سرقت، تقویت می‌کند که چنین مقرر می‌دارد: در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در این فصل، دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده، سارق یا رباینده را به رد عین و در صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارات وارده، محکوم خواهد نمود.

نکته ۳: ذکر این نکته لازم است که در مواردی که مال تلف شده یا نقص دیده، مال قیمی باشد، قیمت زمان اجرای حکم ملاک است؛ نه قیمت زمان تلف یا صدور حکم.



۱- دادگاه در راستای ضرر و زیان ناشی از جرم، مکم به پرداخت قیمت مال مسروقه داده است. قیمت مال مسروقه در چه زمانی ملاک است؟

(تألیفی)

الف) زمان تلف شدن مال مسروقه
ب) زمان به سرقت رفتن مال مسروقه
ج) زمان اجرای حکم
د) زمان صدور حکم

۲- فردی موبایل کارکرده دیگری را سرقت و آن را تلف می‌کند، در صورت ممکومیت مرتکب به پرداخت قیمت مال مسروقه، قیمت چه زمانی ملاک امد از ممکوعلیه می‌باشند؟ (قضاوت ۹۷)

الف) سرقت
ب) صدور حکم
ج) اجرای حکم
د) خرید محکوم‌له

۳- در مواردی که دادگاه کیفری مکم به پرداخت قیمت مال تلف شده صادر می‌نماید، ملاک پرداخت قیمت، کدام زمان است؟

(وکالت ۹۶)

الف) تلف مال
ب) صدور حکم
ج) اجرای حکم
د) تقدیم دادخواست ضرر و زیان

پاسخنامه

- ۱ ج مستند به تبصره ماده ۱۹ ق.آ.د.ک.
- ۲ ج مستند به تبصره ماده ۱۹ ق.آ.د.ک.
- ۳ ج مستند به تبصره ماده ۱۹ ق.آ.د.ک.

ماده ۲۰- سقوط دعوای عمومی، موجب سقوط دعوای خصوصی نیست. هرگاه تعقیب امر کیفری به جہتی از جہات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم برائت شود، دادگاه کیفری مکلف است، در صورتی که دعوای خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید.

نکته ۱: همان‌طور که از صدر ماده پیداست، سقوط دعوای عمومی به هر جہتی، اعم از جہات مذکور در ماده ۱۳ ق.آ.د.ک یا جہات دیگر، موجب سقوط دعوای خصوصی نیست. لازم به تذکر است که به نظر می‌رسد این ماده، تکلیفی است که برعهده دادگاه قرار داده شده است؛ لذا هرچند که تعقیب امر کیفری در مرحله دادسرا موقوف شده باشد و قضات دادسرا، قرار موقوفی تعقیب را صادر کرده باشند؛ رسیدگی به دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم یا توجه به کاربرد عبارت «دادگاه کیفری»، برعهده دادگاه کیفری است نه مقامات دادسرا.

نکته ۲: طبق ماده مذکور، این احتمال وجود دارد که در امور کیفری، دادگاه متهم را به دلیل عدم تحقق ارکان تشکیل‌دهنده جرم، مجرم نداند و یا او را به لحاظ وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری (مثل جنون- اضطراب) مسئول نشناسد و حسب مورد اقدام به صدور قرار موقوفی تعقیب یا حکم برائت کند اما از لحاظ حقوقی، همان دادگاه رسیدگی‌کننده، حکم به پرداخت ضرر و زیان ناشی از جرم صادر کند.

نکته ۳: این ماده را می‌توان توضیح و شرح ماده ۱۷ ق.آ.د.ک دانست. به عبارت دیگر، در مواردی که تعقیب امر کیفری به جہتی از جہات قانونی، منتهی به صدور قرار موقوفی، منع تعقیب یا حکم برائت شود، دادگاه کیفری مکلف است در صورتی که دعوای خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید؛ در واقع ماده مذکور یکی از مصادیق رأی کیفری محسوب می‌گردد که در ماده ۱۷ ق.آ.د.ک مورد اشاره قرار گرفته است.



۱- در صورتی که تعقیب امر کیفری به جہتی از جہات قانونی در دادسرا موقوف گردد و قرار موقوفی تعقیب صادر شده باشد، رسیدگی به دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم، برعهده کدام یک از نهادهای زیر است؟ (تالیفی)

الف) مطلقاً دادگاه کیفری

ب) مطلقاً دادسرا

ج) دادگاه کیفری، مگر در موارد خاص که برعهده دادسرا است.

د) دادسرا، مگر در موارد خاص که برعهده دادگاه کیفری است.

۲- هرگاه دادگاه کیفری متهم را از جهت جنبه عمومی ناشی از جرم تبرئه نماید، نسبت به ضرر و زیان مدعی خصوصی، چه تصمیمی اتخاذ می‌نماید؟ (قضاوت ۹۴)

الف) قرار امتناع از رسیدگی
 ب) قرار عدم صلاحیت
 ج) ادامه رسیدگی و صدور حکم
 د) قرار اناطه

۳- هرگاه تعقیب امر جزایی به مهتی از مهات قانونی، موقوف و یا منتهی به صدور مکم برائت شود:

الف) رسیدگی به جهات دیگر انجام خواهد گرفت.
 ب) به جهات دیگر نیز مطابق رأی برائت یا موقوفی رأی صادر می‌شود.
 ج) رسیدگی به جهات دیگر به‌عده دادگاه حقوقی یا دیگر مراجع صالح است.
 د) دادگاه در مورد رسیدگی به جهات دیگر تکلیفی ندارد.

۴- هرگاه دادگاه کیفری در مورد متهم مکم برائت صادر کند، در فصوص دادخواست مطالبه ضرر و زیان‌های ناشی از جرم که با (عایت تشریفات قانونی تقدیم شده باشد، چه تصمیمی باید بگیرد؟ (وکالت کرمانشاه ۹۷)

الف) علی‌رغم صدور حکم برائت، نسبت به دادخواست مطالبه ضرر و زیان مذکور، رسیدگی و حکم مقتضی صادر کند.
 ب) پس از صدور حکم برائت، لزوماً باید در خصوص دادخواست مذکور نیز حکم بر بی‌حقی صادر و اعلام کند.
 ج) با صدور حکم برائت، تکلیفی در رسیدگی به دادخواست ضرر و زیان ندارد و باید آن را به دادگاه حقوقی ارجاع نماید.
 د) صدور حکم در مورد ضرر و زیان ناشی از جرم توسط مرجع کیفری، صرفاً محدود به موردی است که دادگاه متهم را مجرم تشخیص داده باشد.

پاسخنامه

- ۱ الف مستند به ماده ۲۰ ق.آ.د.ک. لازم به ذکر است که تکلیف دادگاه کیفری در صورتی است که دادخواست ضرر و زیان به دادگاه کیفری داده شده باشد و دعوی خصوصی در آن دادگاه مطرح شده باشد.
- ۲ ج مستند به ماده ۲۰ ق.آ.د.ک.
- ۳ الف مستند به ماده ۲۰ ق.آ.د.ک.
- ۴ الف مستند به مواد ۱۷ و ۲۰ ق.آ.د.ک. تکلیف دادگاه به تعیین تکلیف در خصوص ضرر و زیان اعم است از اینکه رأی کیفری دال بر برائت باشد یا مجرمیت.

ماده ۲۱- هرگاه احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آنها در صلاحیت مرجع کیفری نیست، و در صلاحیت دادگاه حقوقی است، با تعیین ذی‌نفع و با صدور قرار اناطه، تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم، معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود. در این صورت، هرگاه ذی‌نفع ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه، بدون عذر موجه به دادگاه صالح رجوع نکند و گواهی آن را ارائه ندهد، مرجع کیفری به رسیدگی ادامه می‌دهد و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

تبصره ۱- در مواردی که قرار اناطه توسط بازپرس صادر می‌شود، باید ظرف سه روز به نظر دادستان برسد. در صورتی که دادستان با این قرار موافق نباشد، حل اختلاف طبق ماده (۲۷۱) این قانون به عمل می‌آید.

تبصره ۲- اموال منقول از شمول این ماده مستثنی هستند.

تبصره ۳- مدتی که پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود، جزء مواعد مرور زمان محسوب نمی‌شود.

نکته ۱: سرعت در رسیدگی از ویژگی‌های مراجع کیفری است. از این رو، چنانچه از سوی اصحاب دعوا به ویژه متهم در مقام دفاع، اظهاراتی شود که رسیدگی و تشخیص درستی یا نادرستی آن در تشخیص وقوع یا عدم وقوع جرم مؤثر باشد، مرجع کیفری، علی‌الاصول باید صلاحیت رسیدگی به آن را نیز داشته باشد؛ با این حال، صلاحیت مراجع کیفری، حقوقی و اداری در آیین دادرسی کیفری، نسبت به یکدیگر، از مصادیق صلاحیت ذاتی است، بنابراین مسائل حقوقی باید در دادگاه حقوقی رسیدگی شود و قرار اناطه از سوی دادگاه کیفری در همین راستا صادر می‌گردد.

نکته ۲: با توجه به این ماده، می‌توان گفت که در حال حاضر، حالتی که در ماده ۱۳ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ از موارد اناطه بود و حکایت از آن داشت که ادامه رسیدگی در همان دادگاه کیفری مستلزم رعایت تشریفات دیگر آیین دادرسی است، از موارد صدور قرار اناطه محسوب نمی‌شود.

نکته ۳: رأی وحدت رویه شماره ۵۲۹ مورخ ۶۸/۸/۲ با توجه به شباهت این ماده با ماده ۱۷ ق.آ.د.ک ۱۲۹۰، همچنان پابرجاست که مقرر می‌دارد: ماده ۱۷ ق.آ.د.ک که ثبوت تقصیر متهم را منوط به مسائلی قرار داده که محاکمه و ثبوت آن از خصایص محاکم حقوقی است، ناظر به اختلاف در حق مالکیت نسبت به اموال غیرمنقول است و در مورد اموال منقول، صدق نمی‌کند...» و این امر در تبصره ۲ ماده ۲۱ مورد تأکید مقنن قرار گرفته است.

نکته ۴: همان‌طور که می‌دانیم صدور قرار اناطه از موانع موقتی تعقیب دعوای عمومی است و با توجه به ماده، با صدور قرار اناطه تا هنگام صدور رأی قطعی از مرجع صالح، تعقیب متهم معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود.

نکته ۵: با توجه به تبصره ۱ ماده ۲۱ باید گفت قرار اناطه صادره از سوی بازپرس باید به تأیید دادستان برسد و در صورتی که دادستان با آن موافق نباشد، حل اختلاف مطابق ماده ۲۷۱ به عمل می‌آید. این ماده چنین مقرر می‌دارد: مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، با دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به آن اتهام را دارد. چنانچه دادگاه انقلاب یا دادگاه کیفری یک، در حوزه قضایی دادرسی تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو محل، صالح به رسیدگی است.

نکته ۶: قرار اناطه صادره از سوی بازپرس به موجب بند الف ماده ۲۷۰ ق.آ.د.ک از سوی شاکی قابل اعتراض است. از طرفی درست است که قانون‌گذار در ماده ۲۱ به قابل اعتراض بودن قرار اناطه صادره از سوی دادگاه اشاره‌ای نکرده است؛ ولی با توجه به ماده ۴۲۷ این قانون که اصل را

بر قابل تجدیدنظر بودن آرای دادگاه کیفری قرار داده است و همچنین با توجه به صراحت تبصره ۲ ماده ۴۲۷، باید حکم به قابل اعتراض بودن قرار اناطه صادره از سوی دادگاه را نیز داد. این تبصره چنین مقرر می‌دارد: آرای قابل تجدیدنظر، اعم از محکومیت، برائت یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب و اناطه است ...

نکته ۷: حکم مقرر در تبصره ۳ این ماده، شبیه حکم مقرر در تبصره ۱ ماده ۱۰۷ ق.م.ا است که مقرر می‌دارد: اگر اجرای تمام یا بقیه مجازات، موکول به گذشتن مدت یا رفع مانعی باشد، مرور زمان از تاریخ انقضای آن مدت یا رفع مانع، محاسبه می‌شود. به عبارت دیگر، بایگانی موقت پرونده نمی‌تواند به معنای شروع مرور زمان باشد؛ به علاوه به موجب تبصره ۲ ماده ۱۰۵ ق.م.ا در مورد صدور قرار اناطه، مرور زمان تعقیب از تاریخ قطعیت رأی مرجعی که رسیدگی کیفری منوط به صدور آن است، شروع می‌شود.

نکته ۸: قرار اناطه صادره از سوی بازپرس توسط شاکی ظرف ۱۰ روز قابل اعتراض است ولی قرار اناطه صادره از سوی دادگاه ظرف ۲۰ روز توسط شاکی قابل اعتراض است.



۱- بعد از صدور قرار اناطه، طی چه مدتی باید دادخواست حقوقی به دادگاه صالح تقدیم نمود؟

(قضاوت ۱۹)

- الف) ظرف سه ماه پس از صدور قرار
ب) ظرف یک ماه پس از ابلاغ قرار
ج) ظرف سه ماه پس از قطعیت قرار
د) ظرف ده روز پس از ابلاغ قرار

۲- قرار اناطه در چه مواقعی از طرف دادگاه صادر می‌شود؟

(وکالت ۷۸)

- الف) وقتی که ایراد به صلاحیت دادگاه شده باشد.
ب) وقتی که دادگاه فاقد صلاحیت باشد.
ج) وقتی که قاضی رسیدگی کننده یا زوجه او ذی نفع در قضیه باشند.
د) وقتی که ثبوت امر جزایی منوط به اثبات امر حقوقی باشد.

۳- دادگاه کیفری وقتی قرار اناطه صادر می‌کند که:

(وکالت ۸۵)

- الف) شاکی رضایت خود را اعلام نماید.
ب) جلب نظر کارشناس ضروری باشد.
ج) چنانچه اتخاذ تصمیم منوط است به امری که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است.
د) دادگاه کیفری نمی‌تواند قرار اناطه صادر نماید مگر متهم تقاضا کند.

۴- هرگاه ضمن (رسیدگی) مشخص شود اتفاد تصمیم منوط به امری است که (رسیدگی) به آن امر

(قضاوت ۸۲)

در صلاحیت دادگاه دیگری است:

- الف) قرار منع تعقیب صادر می‌شود.
ب) قرار اناطه صادر می‌شود.
ج) قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.
د) قرار سقوط دعوی صادر می‌شود.